



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت جلد ۱
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	الإهداء
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۴	تعریف ازدواج :
۱۹	ازدواج یک سنت الهی است
۲۱	اهمیت و فضیلت ازدواج
۴۸	آثار دنیوی ازدواج
۵۱	آثار اخروی ازدواج
۵۲	ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق
۵۴	ازدواج بر پایه مادیات و شهوت
۵۵	پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟
۶۲	ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی
۶۲	اشاره
۶۲	۱ - همتایی در ایمان
۶۴	۲ - همتایی در سن
۶۷	۳ - همتایی در دانش
۷۴	۴ - همتایی فکری و فرهنگی
۷۵	۵ - همتایی اخلاقی
۸۳	۷ - هم تابی سیاسی
۸۳	۸ - هم تابی روحی و روانی
۸۴	۹ - هم تابی در زیبایی

- ۸۷ ۱۰ - هم تایی خانوادگی
- ۹۶ اوصاف شایسته در انتخاب همسر
- ۱۱۱ نگاه کردن پیش از ازدواج -
- ۱۱۴ نگاه کردن از دیدگاه فقهی -
- ۱۱۶ پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست
- ۱۲۰ آیا می توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد؟ -
- ۱۲۴ شرایط عقد ازدواج دائم و موقت
- ۱۲۵ دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت
- ۱۲۶ دستور خواندن عقد دائم
- ۱۲۷ دستور خواندن عقد موقت (غیردائم)
- ۱۲۸ فسخ عقد ازدواج
- ۱۳۴ تعریف واژه مهر (صداق)
- ۱۳۶ فلسفه مهریه
- ۱۳۶ اشاره
- ۱۳۷ ۱ - مهریه تجلی فطرت و طبیعت است
- ۱۴۴ ۲ - مهر قانون عشق و جذب است
- ۱۵۳ ۳ - مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است
- ۱۵۶ ۴ - مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می شود
- ۱۵۹ ۵ - مهر موجب تعادل اقتصادی است
- ۱۶۲ ۶ - مهر عطیه الهی به زن است
- ۱۶۴ ۷ - مهریه پیمان صداقت است
- ۱۶۶ ۸ - مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است
- ۱۶۹ تعیین مهر با رضایت زوجین
- ۱۷۰ مقدار مهریه
- ۱۷۰ اشاره
- ۱۷۱ ۱ - قائلین به محدودیت مهر

۱۷۱ اشاره
۱۷۶ نقد نظریه قائلین به محدودیت مهریه
۱۷۹ ۲ - عدم محدودیت در مهر
۱۷۹ اشاره
۱۷۹ الف : عدم محدودیت مهر در آیات
۱۸۳ ب : عدم محدودیت مهر در روایات :
۱۸۷ ج : نظر فقهاء در عدم محدود بودن مهر :
۱۹۰ کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه
۱۹۸ مهر متاع باشد یا نقدینگی (پول)
۲۰۶ معلوم بودن مهر
۲۰۸ مهریه و ملکیت آن
۲۰۸ مهر ملک زن است
۲۱۳ حکم شیربها
۲۱۵ حبس مهریه
۲۱۵ اشاره
۲۱۹ الف : غاصب مهر بخشیده نمی شود :
۲۲۱ ب : غاصب مهر در پیش خدا ، زانی است
۲۲۳ ج : غصب مهر از پلیدترین گناهان است
۲۲۳ د : حبس مهر یک نوع دزدی است
۲۲۵ ه : غاصب مهر پیمان شکن است
۲۲۷ فهرست منابع و مأخذ
۲۳۰ فهرست مطالب
۲۳۷ درباره مرکز

بیستونی، محمد، 1337

ازدواج (پیوند آسمانی) از دیدگاه قرآن و سنت = Marriage in Quran

and tradition / با نظارت محمد بیستونی؛ گروه تحقیق لیلا حمد اللہی،

زهره نوری، علیرضا مقسمی؛ با همکاری و کارشناسی اسدالله اسدی گرمارودی. - تهران: بیان جوان، 1384.

417 ص.؛ 11x17 س م.-- (سری کتابهای روش انس با قرآن)

ISBN: 964-8399-38-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. کتابنامه به صورت زیرنویس.

1. زناشویی (اسلام). الف. حمد اللہی، لیلا، 1357 - ب. نوری، زهره.

ج. مقسمی، علیرضا. د. اسدی گرمارودی، اسد اللہ، 1340 - ه. عنوان.

4 الف ب/17/230 297/4831 BP

کتابخانه ملی ایران 84 15486 م

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

إلى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإلى مَوْلَانَا

وَمَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإلى بَضْعَةِ

الْمُصْطَفَى وَبَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإلى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَإلى الأئمةِ الشَّعَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الأَرْضِينَ وَوَارِثِ عُلُومِ

الأَنْبِيَاءِ وَالمُرْسَلِينَ، المَعَدَّةِ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَالمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الفُرَائِضِ وَمعَالِمِ الدِّينِ، الحُجَّهِ بْنِ الحَسَنِ صَاحِبِ العَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَلَّ
اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ المُتَّصِلُ بَيْنَ الأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجِنَّا بِبِضَاعَةٍ

مُزْجَاةٍ مِنْ وَلائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنُظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ المُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهدہ گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

ص: 5

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

21 ربیع الثانی 1425

21 خرداد 1383

ابوالقاسم خزعلی

ص: 6

تعریف ازدواج :

- تعریف لغوی : این واژه در لغت به معنی آمیزش جنسی و عقد است که برخی از پیشوایان لغت ، وضع آن را در معنی اول و برخی دیگر در معنی دوم و بالتبع در دیگری به استعاره دانسته اند . این واژه در اصطلاح شرعی نیز عقدی است که به نحوه خاص ، مشتمل بر ایجاب و قبول بین زن و مرد منعقد می گردد . در قرآن کریم بیش از پنجاه آیه به مسأله نکاح و لواحق آن اختصاص یافته است .

ازدواج در قرآن کریم با عبارات مختلفی از جمله ، ازدواج ، انکاح و ... بیان شده است ، زوج (1) به هر دو قرین از مذکر و مؤنث در حیوانات و گیاهان و انسان ها اطلاق می شود که با هم ازدواج یافته اند . «ازدواج» (2) یعنی با هم جفت شدن و

ص: 7

1- قاموس قرآن قرشی .

2- فرهنگ فارسی عمید .

جفت گرفتن یا زن گرفتن مرد و شوهر کردن زن ، و «انکاح»⁽¹⁾ از باب افعال یعنی تزویج کردن زنی با مردی و بالعکس و همچنین به معنای بسته شدن و گره زدن زن و شوهر به یکدیگر می باشد .

زوج و ازدواج در انسان ها و جانداران در آیاتی چند بیان شده از جمله :

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً... : و از نشانه های او اینکه خلق کرد برای شما از خود شما جفت هایی تا با آنها انس بگیرید و آرامش یابید و قرار داد بین شما دوستی و رحمت ... » ⁽²⁾.

« فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ... : او آفریننده آسمان ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای

ص: 8

1- قاموس قرآن قرشی .

2- 21 / روم .

شما قرارداد و جفت هایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله (به وسیله همسران) تکثیر کند، ...» (1).

«وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

بَهِيحٍ : و چگونه زمین را گسترانیدیم و در آن کوه ها افکنیدیم و در زمین رویاندیم از هر گیاهی جفت که خوش منظره و بهجت آور است» (2).

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ : منزّه است آن کسی که تمام «زوج ها» را خلق کرد تماما از آنچه از زمین روئیده می شود و از خود آنها» (3).

ص: 9

1-11 / شوری .

2-7 / ق .

3-36 / پس .

«ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرُوثَيْنِ : هشت جفت از نر و ماده از چهارپایان آفرید ، از میش دو جفت و از بز دو جفت ...»

(1)

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ : و از هر چیزی جفت خلق کردیم شاید شما متذکر شوید». (2)

در اسلام و قرآن ، ازدواج از مبانی زندگی سالم و معنوی معرفی شده تا آنجا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله نکاح را سنت خود معرفی کرده و فرموده است «هرکس از سنت من روی گرداند ، از من نیست» (3) . ازدواج حادثه ای مهم و بارز ، بلکه تولدی دوباره برای انسان است ازدواج یعنی تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن

ص: 10

1- 143 / انعام .

2- 49 / ذاریات .

3- بحار الانوار ، جلد 103 ، صفحه 1220 .

برای رسیدن به آرامش و حفظ نسل و تربیت انسان های برتر از خود ، از آنجا که غریزه جنسی غریزه ای است سرکش و نیرومند و ریشه دار که در نهاد هر بشری قرار داده شده است و روشن است که وجود این غریزه تنها برای لذت بردن و تمتع نیست بلکه اثر وجودی این غریزه روی نظام حکیمانه الهی و برای تولید نسل و بقاء نوع بشر است .

اصولاً- خویشتنداری در برابر آن نیاز به تقوی و پرهیزکاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد بنابراین تنها راهی که بتواند جوابگوی تمام خواسته های جنسی باشد ازدواج مشروع و قانونی و گرفتن همسر است .

خداوند در این باره می فرماید :

« إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ . فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ : و آنها که تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند

ص: 11

که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شوند. و هرکس غیر این طریق را طلب کند، تجاوزگر است» (1).

ازدواج يك سنت الهی است

گرچه امروز مسأله ازدواج آن قدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که به صورت يك جاده صعب العبور برای جوانان درآمده است ولی قطع نظر از این پیرایه‌ها ازدواج يك حکم فطری و هماهنگ قانون آفرینش است که انسان برای بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی احتیاج به ازدواج سالم دارد.

اسلام که هماهنگ با آفرینش گام برمی‌دارد نیز در این زمینه تعبیرات جالب و

ص: 12

1-6 و 7 / مؤمنون .

مؤثری دارد .

از جمله حدیث معروف پیامبر است : «ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من با فزونی جمعیت شما در قیامت به دیگر امت ها مباحثات می کنم» . (1)

و در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم : «کسی که همسر اختیار می کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته و باید مراقب نیم دیگر باشد» (2) .

باز در حدیث دیگری می فرمایند : «بدترین شما مجردانند» (3) .

و همچنین فرموده اند : «هرکه برای پاك نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند بر خداست که به او کمک کند» (4) .

ص: 13

1- سفینه البحار ، جلد 1 ، صفحه 561 .

2- سفینه البحار ، جلد 1 ، صفحه 562 .

3- مجمع البیان ، ذیل آیه مورد بحث .

4- میزان الحکمة ، جلد 5 ، صفحه 2252 .

این احادیث نشان می دهد که ازدواج يك سنت الهی است و از محبوب ترین عبادت ها به حساب می آید و با اقدام به این امر مقدس، لذت زندگی را می توان احساس کرد و دین و شخصیت اجتماعی را از سقوط و انحراف و هوس های شیطانی حفظ کرد.

اهمیت و فضیلت ازدواج

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَكُمُ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ : مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می سازد ، خداوند واسع و آگاه است» .(1)

ص: 14

خداوند متعال در قرآن مجید و پیشوایان و امامان معصوم در احادیث خود بدان ترغیب می نمایند و این امر مهم رایك فریضه مقدس و پرثمر معرفی می کنند که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «هیچ بنایی در اسلام، به اندازه ازدواج، ارزشمندتر و محبوب تر در پیشگاه خداوند متعال نمی باشد» (1).

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هیچ لذت و عیشی در دنیا و آخرت، بالاتر از مجامعت با زنان و ازدواج نمی باشد» (2).

«ارزش هیچ چیز نزد خداوند متعال، به اندازه خانه ای نیست که برای

ص: 15

1- وسایل الشیعه، جلد 14، صفحه 3.

2- روضة المتقین، جلد 8، صفحه 88.

ازدواج ساخته می شود». (1)

امام محمدباقر علیه السلام می فرمایند: «دورکعت نماز شخص متأهل بهتر از شب زنده داری شخص مجرد است که تمام شب را به نماز ایستاده و روزه را به روزه داری پردازد». (2)

ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ... : مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند .

وَ أَنْكِحُوا : ازدواج کنید، به همسری دهید.

أَنْكِحُ : ازدواج کن .

ص: 16

1- فروع کافی ، جلد 5 ، صفحه 328 .

2- سفينة البحار ، جلد 2 ، صفحه 183 .

ایاما: مردان بی همسر، زنان بی شوهر، دختران و پسران مجرّد، جمع ایم.

صالحین: شایستگان، نیکان، جمع صالح. عباد: بندگان، بردگان، جمع عبد.

اماء: کنیزکان، برده های زن، جمع امة.

آیه فوق علاوه بر اینکه به طور ضمنی هر فرد انسان را به نکاح و همسرگزینی ترغیب و توصیه می کند افراد جامعه را نیز به يك امر بالاتر از این موظف می دارد و به آنان فرمان می دهد که تسهیلات لازم را در امر ازدواج جوانانتان فراهم سازید. مسأله ازدواج و همسرگزینی را در جامعه گسترش دهید و از این طریق از شیوع فحشاء و فساد در جامعه جلوگیری نمائید.

«اَنْكِحُوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج يك امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به

ص: 17

مسأله ازدواج و بالاخره پادرمیانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست .

بدون شك اصل تعاون اسلامی ایجاب می کند که مسلمانان در هرزمینه به یکدیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است .

چنانچه در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می خوانیم :

«بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی تا این امر به سامان برسد» .⁽¹⁾

در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می خوانیم :

«سه طایفه اند که در روز قیامت در سایه عرش خداوند قرار دارند ، روزی که

ص: 18

سایه ای جز سایه او نیست : کسی که وسایل تجویز برادر مسلمانش را فراهم سازد و کسی که به هنگام نیاز به خدمت، خدمت کننده ای برای او فراهم کند و کسی که اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد». (1)

و همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم :

«هر گامی ، انسان در این راه بردارد و هر کلمه ای بگوید ، ثواب يك سال عبادت در نامه عمل او می نویسد». (2)

رسول خدا فرمودند :

«مردان بدون همسر را زن بدهید زیرا با این کار خداوند اخلاق آنان را

ص: 19

1- وسایل الشیعه ، جلد 14 ، صفحه 27 .

2- وسایل الشیعه ، جلد 14 ، صفحه 27 .

نیکو و روزی های آنها را زیاد می کند و بر جوانمردی آنان می افزاید». (1)

همچنین فرمودند :

«هرکس برای رضای خدا ازدواج کند و برای رضای خدا کسی را به ازدواج دیگری درآورد سزاوار ولایت و دوستی خداست». (2)

و نیز فرمودند :

«هرکه مؤمن عزیزی را زن دهد تا آن زن همدم و مایه پشت گرمی و آسایش او باشد خداوند حورالعین بهشتی به همسری او دهد و در آنجا با هر یک از اهل خانواده و دوستان ایمانی اش که بخواهد همدم گرداند». (3)

ص: 20

1- بحار الانوار ، جلد 103 ، صفحه 222 .

2- المحجة البيضاء ، جلد 3 ، صفحه 53 .

3- میزان الحکمة ، جلد 5 ، صفحه 2254 .

«بهترین وساطت ها این است که در میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود تا سر و سامان بگیرند» . (1)

بنابراین با استفاده از آیه مورد بحث و احادیث مربوطه نتیجه می گیریم که پیروان اسلام باید سعی کنند به سادگی و بدون تکلفات و هزینه های کمرشکن ، آن را در جامعه عملی و برگزار کنند و رسم های غیراسلامی را که مانع اجرای این امر مقدس در جامعه گردیده کنار بگذارند و تشویق در امر ازدواج مجردان و هرگونه کمک ممکن به این امر باشند ، مخصوصا اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده و پدران و مادرانی را که بی تفاوت

ص: 21

هستند شريك جرم انحراف فرزندان شمرده چنانكه در حدیثی از پیامبر می خوانیم :

«کسی که فرزندش به حد رشد می رسد و امکانات تزویج او را داشته است و اقدام نمی کند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود این گناه بر هر دو نوشته می شود و وی شريك گناه فرزند خواهد بود». (1)

ترك ازدواج به خاطر ترس از فقر و كیفر آن

«...إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ : اگر چنانچه فقیر و تنگدست باشند خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد، خداوند واسع و

ص: 22

1- تفسیر مجمع البیان ، جلد 7 ، صفحه 140 .

ان: اگر فقرا: نیازمندان فضل: کرم، فزونی، برتری

يَكُونُوا: باشند، خواهند بود واسع، وسعت دهنده، گشایشگر

علیم: دانا یعنی: غنی می کند، بی نیازی می سازد.

«ازدواج در اصل يك عمل مستحب مؤکد است و اما اگر کسی در اثر نداشتن همسر مرتکب گناه گردد در این صورت واجب است زن بگیرد و خود را از ارتکاب به حرام و از تحمل ناراحتی های جنسی نجات دهد» (2).

از آنجا که بسیاری از مردان و زنان برای فرار از زیر بار مسئولیت الهی و انسانی، عذرهایی از جمله نداشتن امکانات مالی را بیان می کنند در آیه فوق

ص: 23

1- 33 / نور.

2- توضیح المسائل، مسأله 2452.

صریحا گفته شده است که «فقر» نمی تواند مانع راه ازدواج گردد بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی نیازی می شود دلیل آن هم با دقت روشن می شود، زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی کند نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می کند نه به هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و باروری آن می کوشد.

اما بعد از ازدواج شخصیت انسان اجتماعی می شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می بیند، به همین دلیل در حفظ درآمدهای خود و صرفه جویی آن، تلاش می کند.

بی جهت نیست که در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

ص: 24

«روزی همراه همسر و فرزند است» (1).

و پیامبر اکرم می فرماید: «هرکس از بیم تنگدستی ازدواج نکند از مانیت» (2).

و در حدیث دیگری از پیامبر می خوانیم:

«مردی خدمت حضرتش رسید و از تهی دستی و نیازمندی شکایت کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شد» (3).

و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داریم:

«کسی که ازدواج را از ترس فقر ترك کند گمان بد به خدا برده است زیرا

ص: 25

1- تفسیر نورالثقلین، جلد 3، صفحه 595.

2- میزان الحکمة، جلد 5، صفحه 2252.

3- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 25.

خداوند متعال می فرماید: «اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی نیازی سازد» (1).

پیامبر اکرم در مورد تقبیح ترك ازدواج می فرماید :

«شورترین افراد شما مجردها هستند و چنین اشخاصی برادران شیطان هستند» (2).

از این احادیث استفاده می شود که ترك کننده ازدواج شخص بدبین ، عقده ای و همکار شیطان و گرفتار گناهان است .

البته باید به این نکته نیز توجه شود که این قسمت از آیه وظیفه افرادی را بیان می کند که زمینه و امکانات اولیه ازدواج را در حد اقل آن، دارا می باشند و به علت فقر و

ص: 26

1- وسائل الشیعه ، جلد 14 ، صفحه 24 .

2- جامع الاخبار ، صفحه 119 .

بی چیزی از تأمین زندگی آینده نگرانند و اما اگر زمینه و امکانات اولیه ازدواج را فاقد باشند حکم آن در آیه زیر بیان می شود .

« وَ لَيْسَتَعْفِیَ الدِّینَ لَا یَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... : و آنها که وسیله ازدواج ندارند ، باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را با فضل و کرم خویش بی نیاز سازد» . (1)

اصل عفاف و صبرجنسی برای مرد و زن در تمام موارد و مواقع لازم و ضروری است ، آنجا که انسان هیچگونه وسیله و زمینه ازدواج در اختیار ندارد و فاقد امکانات اولیه ازدواج - از قبیل مهر و کابین، نفقه و هزینه های لازم و امثال آن - می باشد و یا موانع بازدارنده دیگری در میان وجود دارد و یا تاکنون کسی آماده

ص: 27

ازدواج با او نگردیده است و به هر صورت از ازدواج کردن عاجز و ناتوان و محروم می باشد . اهمیت بیشتری دارد و در این گونه موارد اسلام يك وظیفه به دولت و مسلمانان متمکن دیگر متوجه می سازد که تسهیلات ازدواج این افراد را فراهم سازند و يك تذکر نیز به خود این افراد می دهد که عدم تمکن از همسرگزینی هیچگونه مجوز فحشاء و بی بند و باری و اشباع غریزه جنسی از طریق غیر مشروع نیست و این گونه افراد باید عفاف و صبرجنسی را پیشه خود سازند و از هرگونه گناه و آلودگی جنسی ، خود را پاك ، پاکدامن و مصون نگه بدارند ، گرچه آزمایش بسیار سخت و دشوار است ولی خداوند به تدریج در نجات به روی آنها می گشاید و وسایل و امکانات لازم ازدواج را برای آنها فراهم می سازد .

وَ لِيَسْتَعْفِفُ : باید عفاف بجوید . باید شرم و حیا کند .

ص: 28

الَّذِينَ: کسانی که، جمع اَلَّذِي .

يَجِدُونَ: پیدا می کنند، می یابند. لا يَجِدُونَ: نمی یابند.

نِكَاح: همسرگزینی، ازدواج حَتَّى: تا.

يُغْنِي: غنی می کند، بی نیاز می سازد

پیامبر اکرم راه حفظ و پاکدامنی و عفت را این گونه بیان فرموده اند:

«ای جوانان، هرکس توانایی دارد ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب می شود از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی عفتی حفظ کند و هرکس که توانایی ازدواج ندارد روزه بگیرد، زیرا روزه یکی از راه های مهار طغیان شهوت جنسی است» (1).

ص: 29

1- اصول کافی، جلد 2، صفحه 79.

امام علی می فرماید: «هرگاه خداوند برای بنده اش خیر و خوبی بخواهد به او توفیق می دهد تا در برابر خواسته های شکم و شهوت خود عقیف باشد». (1)

ترك ازدواج در ادیان دیگر

«فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِيَحْيَى مُمَدِّدًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَبِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ : و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: خدا تو را به "یحیی" بشارت می دهد، (کسی) که کلمه خدا (مسیح) را تصدیق می کند و رهبر خواهد بود و از هوس های سرکش برکنار و پیامبری از صالحان است». (2)

واژه «حصّور» از «حصّر» به معنی حبس گرفته شده، در اینجا به معنی کسی است که خود را از هوی و هوس، منع کرده است، این واژگان به معنی کسی

ص: 30

1- غرر الحکم، جلد 3، صفحه 167.

2- 39 / آل عمران.

که خودداری از ازدواج می کند ، نیز آمده است .

نخستین سؤالی که در اینجا پیش می آید که اگر «حَصُوراً» به معنی ترك کننده ازدواج باشد ، آیا این عمل برای انسان امتیازی محسوب می شود که درباره «يَحْيَى» آمده است .

در پاسخ باید گفت : اولاً هیچگونه دلیل قاطعی بر اینکه منظور از «حَصُور» در آیه ترك کننده ازدواج است در دست نیست و هیچ بعید نیست که حضور در آیه به معنی ترك کننده شهوات و هوس ها و دنیاپرستی و صفتی همانند زهد بوده باشد .

ثانیا : یحیی نیز همانند عیسی بر اثر شرایط خاص زندگی و اجبار به سفرهای متعدد برای تبلیغ آئین خدا ناچار به مجرد زیستن بوده است .

و این يك قانون کلی برای همه نمی تواند باشد و اگر خداوند او را به این صفت

می ستاید به خاطر این است که او بر اثر شرایطی خاص ازدواج نکرد ولی در عین حال توانست خود را از گناه حفظ کند و به هیچ وجه آلوده نشود، به طور کلی قانون ازدواج يك قانون فطری است و در هیچ آئینی ممکن نیست حکمی برخلاف این قانون فطری، تشریح گردد. بنابراین نه در قانون اسلام و نه در هیچ آئین دیگری ترك ازدواج کار خوبی نبوده است.

هدف از ازدواج سکونت و آرامش است

« وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَمِرُونَ : و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه هایی است برای گروهی که

ص: 32

تفکر می کنند». (1)

آیات : نشانه ها خَلَقَ : خلق کرد، آفرید اَزْوَاجًا : همسر

تَسْكُنُوا : آرامش باطن وانس بگیرند جَعَلَ : قرار داد مَوَدَّةً : دوستی

رَحْمَةً : مهربانی يَتَفَكَّرُونَ : می اندیشند ، تفکر می کنند

خداوند در این آیه می فرماید : «دیگر از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید» و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصا و در میان همه انسان ها عموما ، نیاز به يك جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می کند : «و در میان شما مودت و رحمت قرار داد» .

ص: 33

1- 21 / روم .

جالب اینکه قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پرمعنی «لِتَسْكُنُوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است و نظیر این تعبیر در آیه 189 سوره اعراف نیز آمده است .

به راستی وجود همسران با این ویژگی ها برای انسان ها که مایه آرامش زندگی آن ها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می شود ، این آرامش از اینجا ناشی می شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می باشند به طوری که هر يك بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان يك موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته است و همچنین این آرامش و سکوت هم از نظر جسمی است و هم از نظر روحی ، هم از جنبه فردی و هم اجتماعی .

هنگامی که انسان از مرحله تجرّد گام به مرحله زندگی می گذارد شخصیت

تازه ای در خود می یابد و احساس مسئولیت بیشتر می کند و این است معنی احساس آرامش در سایه ازدواج .

و اما مسأله «مودت» و «رحمت» ، در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است چراکه جامعه از فرد فرد انسان ها تشکیل شده ، اگر این افراد پراکنده و آن اجزاء مختلف با هم ارتباط و پیوند پیدا کنند جامعه ای به وجود نخواهد آمد.

فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلف باشد .

1 - «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز کار است ، اما در پایان یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می گیرد .

2 - «مودت» در مورد بزرگترها است که می توانند نسبت به هم خدمت

کنند اما کودکان و فرزندان در سایه «رحمت» پرورش می یابند .

3 - «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد ، اما رحمت يك جانبه و ايتارگرانه است ، زیرا برای بقاء يك خانواده خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ايتار و «رحمت» دارد .

البته خداوند آیه «مودت» و «رحمت» را میان دو همسر بیان می کند و اشاره دارد که خانواده بدون این دو اصل امکان پذیر نیست و از میان رفتن این دو پیوند و حتی ضعف و کمبود آن ، مایه هزاران بدبختی ، ناراحتی ، اضطراب در خانواده و جامعه است .

ازدواج وسیله ای برای حفظ نوع بشر و وسیله ای برای تربیت فرزندان صالح

« نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ : زنان شما موضع کشت
شمایند پس

ص: 36

هرگاه که خواستید می توانید با آنها آمیزش نمائید و برای خودتان پیش فرستید و تقوا بورزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنین بشارت رحمت ده» (با تربیت فرزند خوب اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید). (1)

در این آیه زنان تشبیه به مزرعه شده اند و در حقیقت موقعیت زنان مانند زراعتی است که احتیاج به زمین مساعد و تخم سالم و آبیاری به موقع دارد تا بهره بدهد و در حقیقت قرآن می خواهد با این بیان ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند که زن يك وسیله اطفاء شهوت نیست ، بلکه وسیله ای است برای حفظ حیات نوع بشر .

همانطور که انسان برای ادامه زندگی به تغذیه نیاز دارد و

ص: 37

1- 223 / بقره .

بدون کشت و زرع مواد غذایی حیات او تأمین نمی شود ، برای ادامه نوع خود نیز نیازمند به وجود زن است .

«حَرْثٌ» مصدر است و به معنی بذرافشانی است و گاهی به محل زراعت که «مزرعه» می باشد اطلاق می شود .

«آئی» از اسماء شرط است و غالباً به معنی «مَتی» که به معنی زمان است استعمال می شود و گاهی به معنی کلان هم استعمال می شود .
از کلمه «آئی» اگر زمانیه باشد توسعه در زمان آمیزش جنسی با زنان استفاده می شود که شامل تمام ساعات شب و روز می گردد یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است و اگر مکانیه باشد ، منظور توسعه در مکان و محل و چگونگی آمیزش است .

جامعه اسلامی برای بقای نوع و نسل محتاج به زنان است زیرا که خداوند تکوّن انسان و مصوّر شدن او را در رحم زنان مقرر نموده و مردان را جزئی از

ص: 38

آن قرار داده و هدف از ازدواج و آمیزش جنسی تنها لذت و کامجویی نیست بلکه باید برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده نمود تا وسیله ای برای یاد خدا و ذکر او باشد و فرزندان صالح کارهای نیک انجام دهند و خیر و ثوابش عاید خود و پدر و مادر خود باشد . پس منظور از «قَدْ مُوا لَانْفُسِكُمْ» پیش فرستادن عمل

صالح برای قیامت است . در آخر آیه توصیه به تقوی می نماید : در آمیزش هم باید رعایت تقوی بشود و از حدود و مقررات آن تجاوز نمایند و بدانند که سرانجام کار در قیامت با خداوند است و مؤمنین را بشارت دهند به پاداش اعمال نیکشان .

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود :

«هنگامی که انسان بمیرد برنامه عمل وی نیز تمام می شود و دیگر نمی تواند پس اندازی برای خویش تهیه کند مگر به وسیله سه چیز که اگر آنها را داشته

ص: 39

باشد پس از مرگ برای او نتیجه بخش خواهد بود. «صدقه جاریه» آثار خیری که در مجرای منافع اجتماعی همواره به کار گرفته شود. همچون مسجد، مدرسه، بیمارستان و مانند آن، «آثار علمی» چون تألیفات کتاب و یا پرورش شاگرد. «پرورش فرزندان صالح» که برای پدر و مادر خود با عمل و سخن طلب آموزش کنند».

بنابراین می توان نتیجه گرفت که ثمره اصلی ازدواج، داشتن فرزندان صالح است و تمام لذایذ طبیعی و پاداش اخروی و انس و محبت ها در میان زن و شوهر، برای تحمّل تربیت و تولید فرزندان استوار است و لذا روایات اسلامی پیروان خود را برای تزویج با افراد زیاد تشویق نموده اند. مولا علی علیه السلام از پیامبر خدا نقل می کند که فرمودند:

«هرکس دوست دارد پیرو آئین من باشد بداند که ازدواج جزئی از آئین من

ص: 40

است سعی کنید که به وسیله ازدواج بچه دار شوید زیرا در میان سایر اُمّت ها ، به زیادی پیروانم مباحثات می کنم» (1).

آثار دنیوی ازدواج

ازدواج علاوه بر اینکه تکلیف دینی و سنت الهی و نبوی است ثمرات و میوه های شیرین نیز دارد ، يك انسان متأهل علاوه بر تعبد و پیروی از دستورات الهی با ازدواج خویش سعادت‌مند شده و از مرز انزوا و تجرّد به کانون اجتماع و مسئولیت قدم می گذارد و متقابلاً از سوی دیگران و اجتماع مردم اعتبار و ارزش بیشتری کسب می کند و مورد احترام و استقبال سایر انسان ها قرار می گیرد . عاطفه انسان دوستی و به ویژه عواطف پدر و مادری در چنین فردی شکوفا

ص: 41

می شود و هرگاه يك موضوع ناراحت کننده و يا احيانا انحرافی پيش آيد به كانون مقدّس خانواده پناه می برد و با اعصابی آرام و آرامش خاطر به کار خود می پردازد .

بنابراین ضرورت ازدواج بر تمام انسان ها که غریزه خود را از بین نبرده و اهل فحشاء نمی باشد معلوم است .

امام صادق علیه السلام نقل می کنند : «که جوانی به محضر مبارك رسول خدا آمده و از فقر شکایت کرد ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عنوان چاره جویی فرمود : برو ازدواج کن . یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ، آن جوان را دیده و گفت : من دختر زیبایی دارم و می خواهم او را بر تو تزویج کنم و آن جوان نیز سفارش رسول خدا را جامه عمل پوشانید و خداوند نیز در روزی او گشایش عجیبی فراهم کرد» . (1)

ص: 42

همچنین رسول خدا دستور می دهند که با ازدواج کردن و تشکیل خانواده، گشایش روزی و توسعه زندگی خود را فراهم سازید. (1)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«دیدار و برخورد به نامحرم از کارهای شیطان است، هرکس نگاهش به نامحرم افتاد و تأثیر پذیرفت به سراغ همسرش برود». (2)

این نشان می دهد که مرد در مواقع تحریک باید همسری داشته باشد تا آرامش خاطر خود را حفظ کند.

از این چند حدیث نتیجه می گیریم که آرامش خاطر و تلاش در اجتماع و

ص: 43

1- سفینة البحار، صفحه 561.

2- فروع کافی، جلد 5، صفحه 494.

اعتماد مردمی و گشایش روزی و فرزندان صالح از آثار دنیوی ازدواج است .

آثار اخروی ازدواج

علاوه بر آثار دنیوی ازدواج که فرزندان صالح شاخص ترین آنها است از نظر معنوی نیز این عمل خداپسندانه مورد توجه می باشد ، ازدواج انسان را از گناهان بازداشته و عامل تقرب در پیشگاه خداوند است این سنت نبوی پاداش عبادت را دو چندان نموده و خود نیز از بهترین طاعات الهی محسوب می گردد .

رسول خدا می فرماید : هرکس دوست دارد عاقبت به خیر باشد و باایمان کامل و با دلی پاک از دنیا برود حتما باید متأهل باشد». (1).

همچنین می فرماید : «بیشترین افراد اهل آتش ، مجردها هستند». (2).

ص: 44

1- وسائل الشیعه ، جلد 14 ، صفحه 4 .

2- روضة المتقین ، جلد 8 ، صفحه 86 .

همچنین می فرماید: «پاداش دو رکعت نمازی که شخص متأهل انجام می دهد، از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد بالاتر است» (1).

از این احادیث به دست می آید که ازدواج موجب مصونیت از ارتکاب به گناه و تحصیل رضا و قرب درگاه الهی است .

ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق

همسر موجودی است عاطفی که انسان تصمیم می گیرد يك عمر زندگی مشترك با وی را آغاز کند و اسرار بیرونی و درونی زندگی خویش را در اختیار او بگذارد و آن چنان روابط نزدیکی با وی پیدا کند که تشبیه آن در کسی متصور نیست و لذا در هنگام ازدواج باید متوسل به خدا شده و از وی استمداد نمود و

ص: 45

1- جواهر الکلام، جلد 29، صفحه 12.

علاوه بر آن سزاوار است که از هیجان زدگی و ذوق زدگی و از هوی و هوس در انتخاب همسر کاملاً اجتناب نموده و با پدر و مادر و افراد دیندار در این زمینه مشورت کند و صفات همسر، به ویژه دیانت و فرهنگ و اخلاق او را در نظر بگیرد و آن گاه به این امر مقدس اقدام نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هرگاه کسی از شما قصد ازدواج کرد سزاوار است دو رکعت نماز بخواند و خدا را بخواهد که همسری عقیف و امین، با دیانت و متواضع و حافظ ناموس، نصیب وی کند». (1)

رسول خدا می فرمایند:

«هرگاه خواستگاری به سراغ شما آمد که دارای "دیانت و اخلاق" نباشد،

ص: 46

اورا ردّ کنید و الاّ فتنه و فساد روی زمین را فرا می گیرد» .

ازدواج بر پایه مادیات و شهوت

ازدواج براساس هوس ، جاه طلبی ، مال اندوزی و غیره معمولاً نتیجه اش ندامت و پشیمانی است زیرا این قبیل ازدواج ها بر مبنای غرض های غیر منطقی و بدون ریشه صورت می گیرد و موقع برخورد با کوچک ترین مانعی از هم می پاشد .

رسول خدا می فرماید: «هنگامی که مردی با زنی به جهت ثروت و زیبایی اش ازدواج کند، از آن بهره مند نمی شود اما اگر ازدواج براساس دین و تقوا بوده باشد، خداوند مال و زیبایی نیز به وی عطا می فرماید زیرا در سایه دین و کمالات معنوی رضایت و خشنودی شوهرش رافراهم می سازد» .⁽¹⁾

ص: 47

و همچنین می فرماید: «کسی که با زنی به جهت مال و منالش ازدواج کند، خداوند او را به آن ثروت واگذار می کند و هرکس به جهت زیبایی زن با وی زناشویی کند، سرانجام پشیمان گردد اما اگر دیانت و تقوای کسی را در نظر بگیرد، خداوند همه این ها را به وی مرحمت می فرماید». (1)

از این احادیث نتیجه می گیریم که ازدواج بر پایه مادیات و شهوات، در صورتی که دیانت و تقوا و اخلاق اسلامی بر آنان حاکم نباشد، بدون تردید نتیجه اش ندامت و پشیمانی خواهد بود.

پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟

چون مسأله «ازدواج» يك موضوع حساس و سرنوشت ساز است و در زندگی

ص: 48

1- جواهرالکلام، جلد 29، صفحه 32.

هرکس جنبه بنیادی دارد لذا اشخاص اقدام کننده به این امر مقدّس ، وظیفه دارند از پیشگاه خداوند استمداد جسته و با دعا و نیایش و توکل بر الطافت الهی در انتخاب همسر دقت کافی به خرج دهند .

امیر مؤمنان علی صلی الله علیه و آله می فرمایند : « پیوسته انواع بلاها و مشکلات خویش را پیش از وقوعش از طریق دعا و نیایش پیشگیری نمائید و شگّی نیست که همسر نامطلوب از دردناک ترین مصیبت ها و بلاها به شمار می آید و بالعکس ، همسر صالح و شایسته از بزرگ ترین نعمت های الهی است و هیچ موهبتی از نعمت های دنیوی به پای آن نمی رسد» . (1)

از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است که : « هنگامی که اراده از دواج نمودید ،

ص: 49

1- فروع کافی ، جلد 5 ، صفحه 327 .

ابتدا دو رکعت نماز خوانده و سپس حمد و سپاس الهی بگویید و آن گاه دست به دعا برداشته و بخوانید : خدایا ! من اراده ازدواج دارم ، همسری را برایم روزی کن که از نظر عفت عمومی خویشتن دار باشد و ناموس و مالم را حفظ کند ، روزی او فراوان و برکتش عظیم باشد ، ای خدا ! از وی فرزندی پاکیزه برایم روزی فرما که در طول حیات و پس از مرگم جانشین صالحی برای من گردد». (1)

هم کفو بودن در ازدواج

هم کفو بودن دو همسر ، یعنی : تناسب ، همتایی ، هماهنگی ، همشأنی ، سنخیت ، کفایت و هم طرازی بین دختر و پسر و به اصطلاح با هم جور درآمدن زن و شوهر .

ص: 50

ازدواج نوعی «ترکیب بین دو انسان و دو خانواده» است. زندگی مشترك يك پدیده مرکب است که اجزای اصلی و اساسی آن «زن و مرد» می باشد هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، همفکری، تناسب و سنخیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد این «ترکیب» استوارتر، مستحکم تر، پرثمرتر، شیرین تر، لذت بخش تر و جاودانه تر خواهد بود و هرچه این تناسب و هماهنگی کمتر باشد زندگی سست تر، تلخ تر، ناپایدارتر خواهد بود.

دو انسانی که در کنار هم قرار می گیرند و می خواهند يك عمر با هم زندگی کنند و در همه امور شريك باشند و تصمیم های مشترك بگیرند و فرزندان را به وجود آورند و تربیت کنند و به سعادت برسانند، حتما باید هماهنگ و هم سنخ و کفو هم باشند.

متأسفانه در مسأله «انتخاب همسر» معمولاً به «خوب بودن عرفی» اکتفا

می شود و به «هم کفو بودن» دختر و پسر، توجه کمتری می کنند و حال آنکه محور معیارهای انتخاب همسر، همین «همتایی» است.

توجه!

همتایی و هماهنگی و تناسب صددرصد، امکان ندارد؛ زیرا هر «انسانی» دارای مغز، روح، اخلاق، تربیت، محیط و خانواده مخصوص به خود است و با دیگری فرق و فاصله دارد اما باید کوشش کرد هرچه قدر ممکن است این فاصله کمتر باشد.

همان طور که خداوند در قرآن مجید فرموده:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا: همانا انسان حریص و بی صبر خلق شده». (1)

ص: 52

و از سویی اگر به انسان شرّ و زیانی رسد سخت بی قراری می کند کما اینکه خداوند فرمود :

« إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا : (1) »

از آنجائی که انسان های معمولی مثل ما، نمی توانند همچون بزرگان دین و اولیای الهی در برابر سختی ها و نامالایمات تحمّل داشته باشند، از این رو عجلولانه تصمیم گرفته و اقدام می کنند و در اطراف اهداف خودشان به درستی فکر نمی کنند و در نتیجه ، ممکن است عواقب غیر قابل جبرانی اتفاق بیافتد و آنها را از هیّز زندگی ساقط سازد .

در مورد خانواده نیز این قاعده ، صادق است و این طور نیست که همه بتوانند

ص: 53

در مقابل ناملايمات زندگي دوام بياورند و اگر آمار طلاق را در سال هاي اخير مطالعه كنيم اين گفتار تصديق خواهد شد .

براي همين منظور به داستاني در رابطه با حضرت نوح استناد كنيم .

در روايت آمده است كه حضرت نوح عليه السلام مستجاب الدعوه بوده است يعني خداوند متعال هر دعائي را كه حضرت نوح مي كرد فوراً اجابت مي نمود ، او همسري بدخلق و بدزبان داشت و با زخم زبان هايي كه مي زد ، دائم آن حضرت را ناراحت مي كرد . اصحاب و هواداران آن حضرت به او گفتند : «يا نوح تو كه مستجاب الدعوه هستي چرا همسرت را نفرين نمي كني تا خداوند او را نابود ساخته تا از دست او آسوده خاطر باشي ؟» حضرت در پاسخ فرمود : «اگر من مستجاب الدعوه شدم به خاطر صبري است كه در بدى هاي همسرم داشتم» .

با نقل اين داستان كاملاً مشخص مي شود سختي هاي زندگي ، كه برخي واقعا

ص: 54

کمرشکن و غیرقابل تحمل است مثل همین داستان ، ایمان راسخ می خواهد تا انسان بتواند باگذشت فراوان درحقیقت با ایثار زندگی کفه ترازو را متعادل سازد.

و مراد از مطرح کردن این مسائل پیشگیری از این حوادث می باشد پس باید قبل از ازدواج به موارد زیر دقت شود تا اینکه دست بسته، تسلیم نامرادی های زندگی نشویم.

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی

اشاره

از جمله عوامل ، هم کفو بودن ، چه از لحاظ شرعی و چه از لحاظ اخلاقی ، عُرفی و منطقی عبارتند از :

1 - همتایی در ایمان

ایمان یکی از ارکان مهم قوام و دوام زندگی محسوب می شود و با وجود ایمان واقعی ، بسیاری از مشکلات از میان می رود ، چراکه مؤمن باور دارد با

ص: 55

صبر ، پیش خداوند مأجور بوده و این ایثار و گذشت بی پاداش نخواهد ماند .

اینجا است که باید تا می توانیم اعتقاداتمان را نزدیک ساخته و با تقرب آن درك بیشتر نسبت به همدیگر ایجاد خواهد شد .

فرض کنیم دوزوج به خاطر مشکلات اقتصادی با هم اختلاف داشته باشند ، زن به خاطر چشم و هم چشمی ، از شوهرش بیش از توان مالی او درخواستی را داشته باشد و او را در فشار قرار دهد و از او بخواهد به هر نحو ممکن خواسته او را اجابت کند و شوهر با منطق به او یادآوری کند و بگوید : «اگر من خواسته تو را برآورده کنم لازمه اش تجاوز به حقوق دیگران و غصب مال دیگری است و سرانجام این کار دخول در آتش جهنم خواهد بود ، با این منطق اگر زن معتقد به خدا و روز جزا باشد ، نصیحت دلسوزانه شوهر در او تأثیر گذاشته و او نفس سرکش را در جای خود خواهد نشاند .

ص: 56

پس با یکی شدن اعتقاد، این مشکل برطرف شد اما اگر خدای ناکرده این اعتقاد در همسر نبود یکی از دو کار، باید صورت بگیرد، یا باید دعوا به راه افتد و با مرافعه، زندگی را تلخ نمود و این اختلاف ممکن است سرانجام به طلاق منجر شود و یا این که به خواسته همسر تسلیم شود و معلوم است عاقبت این اطاعت او را به دزدی و غصب مال دیگری و نهایتاً، به ظلم خواهد کشاند که نتیجه این کار در دنیا زندان و حبس و آبروریزی و در صورتی که توبه نکرده باشد در آخرت، عذاب الهی است.

از این سخن، نتیجه می‌گیریم که تفاهم اعتقادی زوجین و ایمان آنها، نقش ارزنده‌ای در رفع موانع و مشکلات زندگی زناشویی ایفا می‌کند.

2 - همتایی در سن

اصولاً هرچه سن به هم نزدیک تر باشد تفاهم بیشتر خواهد بود به طور مثال

ص: 57

دو بچه هنگامی که بازی می کنند هرچه سن آن ها به هم نزدیک تر باشد از بازی بیشتر لذت می بردند و در صورتی که این بچه نتواند با هم سنّ خود بازی کند در طول زمان از بازی کردن خسته شده و با بهانه های مختلف اسباب ناراحتی اطرافیان را فراهم می کند .

و این چنین است در سایر موارد مثل دوست هم سن ، از آنجایی که عواطف و سلیقه ها و درك انسان ها متفاوت است در صورتی که تفاوت سنی زیاد باشد این اختلاف سلیقه ها بیشتر نمود خواهد کرد و احتمال مصالحه کمتر خواهد بود از این رو در صورت مراعات نکردن این قاعده تفاهم و همگونی شدن نیز مشکل خواهد بود ولو اینکه ممکن است در چند مورد محدود ، این تفاهم خیلی بیشتر بوده باشد .

علاوه بر اینکه تفاوت سنی در زندگی زوجین ، در صورتی که ازدواج

ص: 58

تحمیلی باشد تأثیر دارد در نگاه عرف و جامعه نیز تأثیر داشته و آنها را به طور غیر مستقیم در دخالت دادن به امور خانواده ها وادار می سازد

تناسب سنی که مورد قبول تمام روان شناسان و عرف می باشد و عقل نیز به آن مهر تأیید زده و همچنین با مقایسه سن تکلیف شدن دختر در اسلام که نه سالگی است و پسر که پانزده سالگی است «6 سال» می باشد یعنی از آنجایی که دختر شش سال زودتر بالغ می شود بهتر است پسر چندسالی از دختر بزرگ تر باشد .

البته اختلاف سن مرد با زن یکی از شرایط ایجاد ازدواج مطلوب است نه همه آن. لذا در مواردی ممکن است باشد که سن زن و مرد هنگام ازدواج یکسان و یا زن از مرد بزرگ تر بود و این طبق توافق زن و مرد صورت گرفته و مشکلی نیز به همراه نداشته باشد . طبعاً رعایت دیگر شرایط و محاسن ازدواج

ص: 59

مطلوب می تواند این نقص را بپوشاند .

3 - همتایی در دانش

یکی دیگر از ویژگی هایی که در بهتر شدن زندگی مشترك مؤثر است همتایی در دانش است به این معنی که در انتخاب همسر آینده دانش و علم او را نیز لحاظ کنیم و اینجا دو سؤال پیش می آید :

1 - نقش سواد و دانش در سرنوشت انسان چقدر است ؟

2 - آیا بهتر است همسری که انتخاب می کنیم با سواد باشد یا فرق نمی کند ؟

مردم عوام ، بی سوادى را مانند كورى می پندارند یعنی همان گونه که انسان های کور از دیدن يك سلسله واقعیات خارجی محروم اند اشخاص بی سواد نیز از درك بعضی از واقعیات عاجزند یعنی اگرچه دوست دارند آن واقعیات را درك کنند اما چون درك آن به علم و دانش بستگی دارد لذا محروم اند و برای

ص: 60

اینکه بتوانند درك کنند باید باسواد شده و از طریق علم آن واقعیات را لمس کنند .

قرآن کریم نیز با این استناد که خود مردم نیز بین عالم و جاهل فرق می گذارند می فرماید :

« ... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ : ... یعنی آیا آنهایی که می دانند با آنهایی که نمی دانند یکسان

هستند تنها خردمندان متذکر می شوند و همچنین پرواضح است که فرق علم با جهل ، مثل فرق نور با ظلمت و تاریکی است» (1).

خداوند متعال می فرماید :

« ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَةُ وَالنُّورُ : ... ای

ص: 61

1-9 / زمر .

پیامبر - به مردم - بگو آیا کور و نابینا، با بینا یکی است و آیا تاریکی ها با نور یکی است» (1).

همانطور که مشاهده می شود قرآن مجید مثل علم و جهل را، مثل نور و ظلمت می داند و پند و درك را در سایه علم می داند.

البته مراد از علم آن علمی است که در راه تکامل و رشد انسانی به کار گرفته شده باشد، مثل علم اتم شناسی که در نیروگاه برق مورد استفاده قرار گرفته که در راستای سعادت بشر می باشد اما همین علم در صورتی که جهت ساخته شدن بمب اتمی به کار گرفته شود از بدترین علوم خواهد بود و همچنین است سایر علوم.

ص: 62

ما از دوراه می توانیم به چیزهایی که نمی دانیم آگاهی پیدا کنیم :

اول اینکه : آنچه که در محیط خارج وجود دارد بینیم و اسم آنها و رابطه ما بین آنها را پرسیده و به خاطر بسپاریم و این علمی است که به مرور زمان بشر از اطرافیان خود آموخته است . نحوه خوردن خوابیدن ، پوشیدن ، راه رفتن و صدها کار دیگر را می توان از این قبیل علوم دانست .

دوم اینکه : انسان علاوه بر علم به ضروریات ، علاقه مند دانستن و فهمیدن چیزهایی می باشد که در قبل از او بوده و یا نخواهد بداند ماورای این جهان چه خبر است . دانستن این قبیل موضوعات احتیاج به داشتن سواد است . چرا که بدون سواد امکان فهمیدن مسائل گذشته وجود ندارد و در مورد ماورای ماده ، نیز نیاز به سواد داریم و هر چه سواد و دانش بیشتر باشد بیشتر می توان مجهولات را درك کرد و بر آنها فائق شد .

ص: 63

از جمله موضوعات نیازمند به سواد و دانش زندگی است و معلوم است که همه چیز را نمی شود به تجربه واگذار نمود یعنی نمی شود گفت : «حالا- این کار را هم انجام دهیم اگر نتیجه مطلوبی داد چه بهتر و اگر نه ، دیگر آن را انجام نمی دهیم» چون تجربه کردن چیزی ، شاید سال ها وقت ببرد و چه بسا هیچ وقت نتوان از تلخی حتی يك تجربه بیرون آمد . اینجاست که باید از تجارب و اندوخته های دیگران استفاده نمود و آن هم تنها ، کافی نمی باشد .

پس ما می توانیم به وسیله دانش و با مطالعه در اطراف انواع زندگی و حالات اشخاص ، زندگی خوب را انتخاب کنیم و با اجرای آن سرنوشت خود را رقم بزنیم .

همانطور که قبلاً گفته شده یکی از اهداف ازدواج ، تداوم نسل می باشد و خوبی یا بدی نسل آینده به طور مستقیم به خوبی و بدی نسل حاضر ، بستگی

دارد و در صورتی که نسل حاضر با بینش و توان علمی مناسب به تربیت فرزندان خود پردازد، فرزندان پربار و دارای فرهنگ غنی تحویل جامعه خواهد داد و راه تعقل و تفکر انسان را برای دستیابی به زندگی بهتر و جامعه متعالی باز نموده و در نتیجه انسان ها یکی پس از دیگری بهتر خواهند شد .

با این بیان نتیجه می گیرم که سواد و دانش همسر آینده - زن یا مرد - در باروری خوب فرزندان ، تأثیر مثبت دارد به همین جهت بهتر است که در انتخاب همسر ، میزان سواد او را نیز به عنوان یکی از ویژگی های مهم لحاظ نمود و این ویژگی در زن و مرد ، هرچه بیشتر باشد نتیجه بهتری خواهد بخشید . اما ممکن است کسانی بگویند : «مرد اگر باسواد باشد بهتر است اما زن اگر بی سواد باشد اطاعتش از شوهر بیشتر خواهد بود» .

در پاسخ به این گونه افکار ، ابتدا چند روایت را در مورد دانش بررسی

ص: 65

می‌کنیم .

اول : روایتی است که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمودند :

« طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ : یعنی فراگیری دانش برای هر زن و مرد مسلمانی واجب است» . (1)

دوم ، روایتی است که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند :

« أَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ : دانش رأس تمام کارهای خیر است و نادانی رأس تمام بدی ها است» . (2)

سوم : روایتی از مولای متقیان حضرت علی علیه السلام که فرمود :

« لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا : جاهل و نادان را در کارها نمی بینی یا

ص: 66

1- بحار الانوار ، جلد 1 ، صفحه 177 .

2- الحیوه ، جلد 1 ، صفحه 52 .

افراط کارند یا تقریبط کار» .

حال اگر غرض ما از زندگی فریفتن مردم باشد پرواضح است که بی سوادى اشخاص در رسیدن به اهداف پلید ، آنها را یاری خواهد کرد . چون مردم نادان زود فریب خورده و زود منحرف می شوند .

اما اگر هدف ، زندگی خوب و همراه با آسایش و تفاهم باشد باید همسری باسواد و بادانشی را انتخاب کرد زیرا که کسب دانش وظیفه هر مسلمان اعم از زن و مرد است و تمام خیر و برکت و سعادت ، دانش است و برعکس تمام شر و بدی از جهل سرچشمه می گیرد پس این طرز فکر که همسر بی سواد بهتر است باطل و مردود است .

4 - همتایی فکری و فرهنگی

تفاهم و توافق فکری و فرهنگی میان دو همسر در زندگی مشترک نقش

ص: 67

اساسی دارد، برای ایجاد يك زندگى پويا و پربار بايد معماران اين كانون بتوانند يكدیگر را درك نموده و مكنونات و محتويات درونى خود را به هم تفهيم كنند و در بسيارى از مسائل، تصميم مشترك و يكسان گرفته و بر مبنای آن عمل كنند و در نشيب و فرازهای زندگى ياور هم باشند و فرزندانشان را بر اساس يك طرح هماهنگ تربيت كنند.

امام صادق عليه السلام می فرماید:

« أَلْعَارِفَةُ لَا تُوَضَّعُ إِلَّا عِنْدَ الْعَارِفِ : زن عارفه (فهمیده فرزانه) باید در کنار مرد عارف (فهمیده اهل معرفت) قرار گیرد نه غیر آن .

5 - همتایی اخلاقی

هماهنگی و تناسب اخلاقی، از مهم ترین موارد کفائت و همتایی بین زن و شوهر است .

ص: 68

با توجه به این نمونه که :

«زیدبن حارثه» پسر خوانده رسول اکرم صلی الله علیه و آله با «زینب» دختر عمّه پیامبر ازدواج کرد . این زن و شوهر از نظر «تدین و ایمان» در مقام بالایی قرار داشتند ؛ اما از جهت «اخلاقی» با هم تفاهم نداشتند و اختلاف و نزاع شدیدی بر زندگی آنها حاکم بود . رسول خدا بارها آنها را نصیحت و سفارش به تفاهم و سازش نمود . اما این «زوج جوان» توان تحمل یکدیگر را نداشتند . سرانجام خداوند وساطت فرمود و آنان را به وسیله طلاق از هم جدا کرد !

در اینکه هر دوی این زن و شوهر ، انسان های شایسته ای بودند ، تردیدی نیست ، در شایستگی «زید» همین بس که رسول اکرم او را به عنوان فرزند خود برگزیده بودند و گاهی او را با لفظ «زیدالحیب» صدا می زدند و در شایستگی «زینب» نیز همین بس که خود خداوند عقد او را برای پیامبر

ص: 69

خواند و او را به همسری پیامبرش در آورد.

گوشه ای از این داستان در قرآن چنین آمده است :

« وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ

وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا : به خاطر بیاور زمانی را که به کسی که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی می گفתי همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز (و پیوسته این امر را تکرار می نمودی) و تو در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی، هنگامی که زید از همسرش جدا شد ما او را به همسری تو در آوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران

ص: 70

پسرخوانده های آن ها هنگامی که از آنان طلاق گیرند نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است» (1).

نتیجه می گیریم که تنها «متدین بودن زن و شوهر» برای ایجاد يك زندگی موفق و در تمام موارد، کفایت نمی کند بلکه بررسی جنبه های دیگر نیز لازم است .

6- همتایی جسمی و جنسی

«توازن و تناسب جسمی و جنسی» در زندگی همسران ، نقش بسیار مهمی دارد . مسائل جنسی ، یکی از ارکان اصلی و بنیادین «زندگی زناشویی» است .

«اشباع و ارضاء و رضایت جنسی» زن و شوهر از هم ، تأثیر عمیقی در موفقیت زندگی دارد . اگر یکدیگر را از این جهت اشباع و راضی کنند ، سپاسگزار

ص: 71

هم خواهند بود و با «دلگرمی» به وظایف و مسئولیت های خود عمل خواهند کرد و مشکلات زندگی را تحمل خواهند کرد ، اما اگر در این مورد ناراضی باشند ، از هم متنفر می شوند و از انجام مسئولیت های زندگی «دلسرد» می گردند.

این نکته بزرگی است که متأسفانه در بسیاری از موارد ، آن را کوچک می شمارند یا نادیده می گیرند و یا با «خجالت» و «رودربایستی» از آن می گذرند و بعد ، ضربه های سهمگینش را می خورند .

اگر یکی از دو همسر ، از نظر جسمی و جنسی ، قوی و «گرم مزاج» و دیگری ضعیف و «سرد مزاج» باشد در بسیاری از امور زندگی شان خلل وارد می شود و احتمال فساد و انحراف ، بسیار قوی است و این عدم تناسب و توازن به اعصاب و روان آنان نیز لطمه می زند .

اگر مردان یا زنان همسررداری را می بینیم که مرتکب فساد جنسی و رابطه

ص: 72

نامشروع با بیگانه شده اند ، قضیه را ریشه یابی کنیم در می یابیم که ریشه بسیاری از این موارد (نه همه آنها) در «نارضایتی و عدم اشباع جنسی توسط همسر» می باشد .

با توجه به نمونه که در قرآن بیان شده :

« فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكِنًا وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ : هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آن ها باخبر شد به سراغ آن ها فرستاد (و از آن ها دعوت کرد) و برای آن ها پستی های گرانبهائی فراهم ساخت و به دست هر کدام چاقویی (برای بریدن میوه) داد و در این موقع (به یوسف) گفت وارد مجلس آنان شو ، هنگامی که چشمشان به او افتاد در تعجب فرورفتند و (بی اختیار) دست های خود را بریدند

ص: 73

وگفتند منزه است خدا این بشر نیست ، این يك فرشته بزرگوار است» .

« قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا ءَامُرُهُ لَيَكُونَنَّ مِنَ الصَّٰغِرِينَ : (همسر عزیز)
گفت: این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مراسرزنش کردید(آری) من اورابه خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد و اگر آن
چه را دستور می دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلما خوار و ذلیل خواهد شد». (1)

همسر عزیز گویا می خواست به آن ها بگوید شما که با يك بار مشاهده یوسف ، این چنین عقل و هوش خود را از دست دادید و بی خبر
دست ها را بریدید و محو جمال او شدید و به ثنا خوانیش پرداختید ، چگونه مرا ملامت می کنید که

ص: 74

صبح و شام با او می نشینم و برمی خیزم؟

یکی از علت های عمده انحراف «زلیخا» و تمایل او به حضرت یوسف «ناتوانی جنسی» شوهرش بود!

به هر حال ، در «انتخاب همسر» حتما باید توجه داشت که دختر و پسر از نظر جسمی و جنسی «کفو» باشند ، یکی از آنان قوی البنیه و آتشین مزاج و نیرومند نباشد و دیگری ضعیف الجثه و سردمزاج .

بلکه با هم «سنخیت جسمی و جنسی» داشته باشند تا بتوانند یکدیگر را اشباع و راضی کنند .

و همچنین ، بر همسران لازم است در این امور ، معلومات ضروری داشته باشند و از افراد آگاه به این مسائل کسب معلومات کنند . و اگر با مشکلی مواجه شدند ، با آنان مشورت کنند .

ص: 75

با توجه اینکه : یکی از علت های «ناتوانی های جنسی» بیماری های عصبی و روانی می باشد که در هر ناتوانی جنسی و ناتوانی در اشباع همسر باید درصدد درمان آن بیماری برآمد و با روان پزشك و روان شناس ماهر در میان گذاشت .

7 - هم تایی سیاسی

تناسب سیاسی یعنی اینکه معتقدین و طرفداران يك نظام با افراد و خانواده های موافق آن نظام چنانچه ازدواج نمایند بهتر است .

8 - هم تایی روحی و روانی

یکی از موارد شرط همتایی «هماهنگی روحی و روانی» است و یا به عبارت دقیق تر «همگونی شخصیتی» از نظر علمی و روانشناسی شخصیت ، طبقه بندی های متعددی نسبت به شخصیت افراد صورت گرفته که یکی از معروف ترین آنها ، تقسیم بندی «درون گرا» و «برون گرا» است و چون «درون

گرایی» و «برون گرایی» يك امر نسبی است و در حقیقت يك طیفی است که می توان از شماره 1 (درون گرای محض) تا 100 (برون گرای محض) شماره بندی کرد و از طرف دیگر مطابق معیارهای ارزشی اسلام، برون گرایی صرف (از خود بیخود شدن) یا درون گرایی صرف (رهبانیت و گوشه گیری) نامطلوب است پس باید گفته شود :

برای زندگی مطلوب اسلامی، نمی توان گفت افراد درون گرا باتیپ خود و بالعکس برون گرا با هم گروه خود ازدواج کنند بلکه باید «تعادل» ایجادشود. لکن درعین حال برای جلوگیری از درگیری ها و عدم تفاهم باید فاصله زیادی نباشد یعنی مثلاً تا بیش از 20 یا 30 شماره فاصله نباشد .

9 - هم نایی در زیبایی

توجه به توازن و تناسب میان دو همسر در «زیبایی صورت و اندام و قیافه

ص: 77

ظاهری» نیز لازم است. اگر یکی از آن دو «زیبا و خوش اندام و خوش تیپ» باشد و دیگری زشت صورت و بد اندام، احتمال به وجود آمدن ناراحتی و مشکل برای هر دو و عقده های روانی و انحراف و بی عفتی و حسرت و... برای فرد زیبا وجود دارد.

دو انسان که می خواهند به عنوان همسر و یاور هم باشند لازم است یکدیگر را از هر جهت دوست داشته باشند و از اندام و چهره و شکل ظاهری هم خوششان بیاید.

«زیبایی» یک معیار و اندازه معین و قانون استاندارد ندارد که بشود افراد را با آن سنجید بلکه تا حدودی به سلیقه افراد بستگی دارد حتی ممکن است فردی در نظر کسی زیبا باشد و در نظر دیگری زشت.

پس صفت زیبایی یک خصوصیت نسبی است و لازم نیست در حد عالی باشد بلکه مهم آن است که دو همسر، یکدیگر را از نظر قیافه ظاهری و اندام بپسندند و از هم خوششان بیاید و دلخواه هم باشند.

زیبایی همسر در حفظ و تقویت عفت و ایمان همسرش تأثیر دارد. اگر همسر، از زیبایی همسرش راضی باشد، چشم و فکر و عملش، متوجه دیگران نخواهد شد.

اما باید به این مسأله توجه داشت که «زیبایی» باید در کنار دیگر صفات و معیارها، مورد توجه و بررسی قرار گیرد نه بطور مستقل، یعنی زیبایی بدون تدین و عفت و اخلاق و ... نه تنها امتیازی محسوس نمی شود بلکه آفتی است خطرناک! اگر کسی دین، اخلاق، عفت، عقل، شرافت خانوادگی ... داشته باشد آنگاه «زیبایی» برایش «کمال و ارزش و امتیاز» محسوب می شود وگرنه «بلایی» است رسواگر.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند :

«مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً... لِيَجْمَالَهَا، رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ : کسی که صرفاً برای زیبایی زن و همچنین مردی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید».

ص: 79

کسی که ایمان و تدین و عفت و ارزش های اصیل و حقیقی را زیربنای زندگی قرار داد و زیبایی را به عنوان يك امتیاز تکمیلی در کنار آنها به حساب آورد، گذشت زمان نمی تواند آن زندگی را فرسوده کند زیرا:

« الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: خداوند، محبت مؤمنان نیکوکار را در قلب های دیگران قرار می دهد». (1)

خدای مهربان، به پاداش تدین همسران باایمان، چنان محبت و اشتیاق شدیدی در قلب های پاك آنان قرار می دهد که هیچ عاملی، حتی سپری شدن دوران جوانی و شادابی، نمی تواند آن را سرد کرده و از بین ببرد.

10 - هم تایی خانوادگی

ازدواج با يك فرد، مساوی است با پیوند با يك خانواده و فامیل و نسل. از این رو

ص: 80

خانواده دختر و پسر باید با هم «سنخیت و تناسب» داشته باشند سنخیت و تناسب دینی، اجتماعی، اخلاقی و غیره در مسأله «انتخاب همسر» معقول نیست که انسان بگوید: «من می‌خواهم با خود این فرد ازدواج کنم و کاری به خانواده و خویشان ندارم» زیرا:

1 - این فرد جزئی از همان خانواده و فامیل و شاخه‌ای از همان درخت است و این شاخه، از ریشه‌های همان درخت، تغذیه کرده است، مسلم است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی، جسمی آن خانواده از راه وراثت و تربیت و محیط و عادات به این فرد منتقل شده است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

« تَرَوُجُوا فِي الْجَبْرِ الصَّالِحِ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ : در دامن و خانواده

ص: 81

شایسته، ازدواج کنید، زیرا عرق (نطفه و ژن ها) تأثیر می گذارد» (1).

« أَنْظِرْ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ : نيك بنگر که فرزندان را در كجا قرار دهی زیرا عرق و خصوصیات ارثی ، به صورت پنهانی و بدون اختیار منتقل می شود و تأثیر می گذارد» (2).

2- اگر فرد با آنان کاری نداشته باشد، آنان با او کار دارند . هرگز نمی توان همسر را از آنان و آنان را از همسر جدا کرد .

3- بدنامی یا خوشنامی آنان ، تا آخر عمر همراه انسان است و در زندگی تأثیر می گذارد و تحمّل بدنامی ، برای آنان بسیار مشکل خواهد بود .

4- صفات و خصوصیات ، در فرزندان آینده ، تأثیر دارد .

ص: 82

1- کتاب مکارم الاخلاق .

2- کتاب مکارم الاخلاق .

الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ... : زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک هستند...» (1).

الْحَيِّثَاتُ : زنان پلید و ناپاک

خَبِيثٌ : پلید و ناپاک ، منظور ناپاکی و پلیدی در قلمرو اندیشه ، عقیده ، گفتار

خَبِيثِينَ : مردان پلید و ناپاک

خَبِيثُونَ : مردان ناپاک

طَيِّبٌ : پاک و پاکیزه ، منظور، پاکی در رفتار و گفتار یا پاکی معنوی و اخلاقی است

طَيِّبَاتٌ : زنان پاک و پاکیزه

طَيِّبِينَ : مردان پاک و پاکیزه

طَيِّبُونَ : مردان پاک و پاکیزه

ص: 85

فلسفه و هدف ازدواج رسیدن به آرامش است و عشق و آرامش و الفت و مصاحبت جز با رعایت همتایی و کفویت در انتخاب همسر به دست نمی آید .

یکی دیگر از شرایط ازدواج «هم شأن بودن» پسر و دختر است و مراد از هم شأن بودن برابری از نظر مقام و ثروت و شوون مادی نیست بلکه منظور از آن چنانچه در روایات آمده این است که پسر و دختر ، مسلمان و پاکدامن باشند و نیز شوهر بتواند مخارج زندگی را تأمین کند .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : «مرد باایمان ، هم شأن زن باایمان است» .

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

«مقصود از "کفو" آن است که مرد پاکدامن باشد و نیز بتواند مخارج

زندگی را تأمین کند». (1)

و همچنین در شرایط همسری و هم شانی می فرمایند :

«همسر همشان، کسی است که در اثر ایمان باحیا باشد و بتواند زندگی اش را بچرخاند». (2)

حضرت رسول فرمود : «دختر به کفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنی را انتخاب کنید که شایسته آن باشد که فرزند از او به هم رسانید». (3)

حضرت علی علیه السلام می فرمایند :

ص: 87

1- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 52 .

2- وسائل الشیعه، جلد 14، صفحه 53 .

3- بحار الانوار، جلد 103، صفحه 221 .

«آمیزش کنید با آنها که می شناسید و احتیاط کنید از کسانی که نمی شناسید».(1)

چه دختر و چه پسر برای تشکیل زندگی مشترك و یکی شدن برای رسیدن به آرامش و حفظ نوع بشر و تربیت انسان های برتر از خود ، باید در انتخاب همسر دقت کنند ، دین داری ، خوش خلقی ، پاکدامنی ، عفت ، برخورداری از ادب از مهم ترین معیارهای انتخاب است .

رعایت کفویت را هم در ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه و هم در ازدواج آسمانی حضرت زهرا علیها السلام با حضرت علی علیه السلام مشاهده می کنیم .

و در حدیث است که «اگر علی نبود در عالم کفوی برای زهرا نبود».(2)

بنابراین در بحث انتخاب همسر باید همتایی ، شباهت در امور دینی و اخلاقی

ص: 88

1- کلمات قصار .

2- فضائل الخمسه ، جلد 2 ، صفحه 149 .

و خانوادگی در نظر گرفته شود .

همچنین در مباحث فقها آمده است که کفو بودن شوهر به اسلام او است و شخصیت های اجتماعی در کفو بودن دخالتی ندارد. (1)

اوصاف شایسته در انتخاب همسر

« وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ : به کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح دارند بشارت ده که بهشت هایی برای آنهاست که نهرها از زیر درختان آن در جریانند، هر زمان که میوه ای از آن به آنها داده می شود می گویند

ص: 89

1- آیت الله صانعی .

این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود و برای آن هاهمسرانی پاك و پاکیزه است و همیشه در آن بهشت خواهند بود». (1)

اَزْوَاجٌ : جمع زوج است که در مورد زن و مرد ، هر دو ، بکار می رود .

مُطَهَّرَةٌ : پاك و پاکیزه

فیها : فی : در ، ها : آن ، او : منظور بهشت است .

در این آیه همسران پاك و پاکیزه جزو نعمتهای بهشتی بیان شده اند که پاك از همه آلودگی ها که در این جهان ممکن است داشته باشند پاك از نظر روح و قلب و پاك از نظر جسم و تن .

جالب اینکه تنها وصفی که برای همسران بهشتی در این آیه بیان شده وصف

ص: 90

«مطهره» (پاك و پاکیزه) است و این اشاره ای است به اینکه : اولین و مهم ترین شرط همسر ، پاك و پاکیزگی است و غیر از آن همه تحت الشعاع آن قرار دارد .

حدیث معروفی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده نیز این حقیقت را نشان می دهد .

«از گیاهان سرسبزی که بر سر مزبله ها می روید بپرهیزید! عرض کردند: ای پیامبر ! منظور شما از این گیاهان چیست؟ فرمود: زنی که از نظر ظاهری بسیار زیبا است اما در خانواده ناصالح و آلوده ای پرورش یافته» .⁽¹⁾

« عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَاتِنَاتٍ تَأْتِيَنَّ عِبَادَتِ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا : امید است اگر او شما را طلاق دهد ، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد ، همسرانی مسلمان ، مؤمن ، متواضع ، توبه کار ، عابد ، روزه دار ، زنانی غیرباکره و باکره .⁽²⁾

ص: 91

1- وسائل الشیعه ، جلد 14 ، صفحه 19 .

2- 5 / تحریم .

عَسَى : امیدواری - طَلَّقُكَنَّ : طلاق دهد

يُبَدِّلُ : تبدیل می کند ، جایگزین سازد خَيْرًا : بهتر

مُسْلِمَاتٍ : زنان مسلمان، همسران حَقِیرَا تَائِبَاتٍ : زنان توبه کار

مُؤْمِنَاتٍ : زنان باایمان عَابِدَاتٍ : زنان شایسته کردار

قَانِتَاتٍ : زنان فرمانبردار سَائِحَاتٍ : زنان رهرو، روزه دار

تَيِّبَاتٍ : زنان غیرباکره ، بیوه اَبْكَارَا : زنان باکره ، دوشیزه

آنچه در مورد این آیات در کتاب تفسیر آمده به شرح زیر است :

پیامبر صلی الله علیه و آله گاه که نزد «زینب بنت جحش» (یکی از همسرانش) می رفت زینب از عسلی که تهیه کرده بود خدمت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می داد . این سخن به گوش عایشه رسید و بر او گران آمد می گوید : من با «حفصه» یکی دیگر از همسران پیامبر ، قرار گذاشتیم که هر وقت پیامبر صلی الله علیه و آله نزد یکی از ما آمد فوراً

بگوئیم : آیا صمغ «مغافیر» (1) خورده ای ؟ چون پیامبر مقید بود که هرگز بوی نامناسبی از دهانش یا لباسش نیاید بلکه به عکس اصرار داشت که همیشه خوشبو و معطر باشد .

به این ترتیب روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد «حفصه» آمد او این سخن را به پیامبر گفت ، حضرت فرمود : من «مغافیر» نخورده ام ، بلکه عسلی نزد زینب خورده ام و من سوگند یاد می کنم که دیگر از آن عسل نوشم ولی این سخن را به کسی دیگر مگو (مبادا به گوش مردم برسد و بگویند چرا پیامبر غذای حلالی را بر خود تحریم کرده و یا از کار پیامبر در این مورد و یا مشابه آن تبعیت کنند و یا به

ص: 93

1- صمغی بود که یکی از درختان حجاز تراوش می کرد و بسیار بدبو بود و بوی نامناسب داشت .

گوش زینب برسد و او دل شکسته شود) .

ولی سرانجام «حفصه» این راز را افشاء کرد و بعدا معلوم شد اصل این قضیه توطئه ای بوده است پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت شد و این آیات بر او نازل شد .

از مجموع این آیات برمی آید که بعضی از همسران پیامبر نه تنها او را اذیت و ناراحت می کردند بلکه مسأله رازداری که از مهم ترین شرایط يك همسر باوفا است ، نیز در آنها نبود .

خدا در این آیه روی سخن را به تمام زنان پیامبرکرده بالحنی که خالی از تهدید نیست می فرماید : «هرگاه او شما را طلاق دهد امید می رود که به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد» .

در اینجا قرآن ، شش وصف برای همسران خوب ، شمرده که می تواند الگویی برای همه مسلمانان به هنگام انتخاب همسر باشد .

ص: 94

نخست «اسلام» و سپس «ایمان» یعنی اعتقادی که در اعماق قلب انسان نفوذ کند و سپس حالت «قنوت» یعنی تواضع و اطاعت از همسر و بعد از آن «توبه» یعنی اگر کار خلافی از او سرزند در اشتباه خود اصرار نرزد و از درِ عذرخواهی درآید و بعد از آن «عبادت»، خداوند ، عبادتی که روح و جان او را بسازد و پاک و پاکیزه کند و سپس «اطاعت فرمان خدا» و پرهیز از هرگونه گناه .

قابل توجه اینکه «سائحات» را جمع «سائح» به معنی روزه دار تفسیر کرده اند ، به طوری که راغب در «مفردات» می گوید : روزه بر دو نوع است : «روزه حقیقی» که به معنی «ترك غذا و آمیزش است» و «روزه حکمی» که به معنی «نگهداری اعضای بدن از گناهان» است و منظور از روزه در اینجا معنی دوم است و منظور از «سائحات» در اینجا همان کسانی است که تمام اعضای بدن را از گناهان نگه می دارند و در طریق اطاعت خدا سیر می کنند .

این نیز قابل توجه است که قرآن روی باکره و غیرباکره بودن زن تکیه نکرده و برای آن اهمیتی قائل نشده زیرا در مقابل اوصاف معنوی که ذکر شد این مسأله اهمیت ندارد.

یکی از صفات زن، «صالح» بودن زن است یعنی کسی که شایستگی ولیافت روحی و پاکی درونی و روانی داشته و از ناپاکی ها، آلودگی ها و خبث باطن پاک و منزّه باشد .

آنگاه قرآن مجید زنان صالحه را معرفی می کند:

«... فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِضَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ: پس زنان صالحه ، کسانی هستند که با کمال تواضع و خضوع ، همواره مطیع و در غیاب همسر نیز

ص: 96

حافظ اسرار و شؤون خانواده هستند» (1).

صالحات : زنان صالح غیب : نهان قانتات : زنان مطیع

حَفِظَ : نگهداری ، مراقبت حَفِظَاتُ : زنان نگهدارنده و حافظ

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند :

«بهترین زنان شما برای همسری زنی است که زایا ، مهربان ، پاکدامن باشد ، نزد فامیلش عزیز و محترم و در مقابل شوهر متواضع و مهربان و فروتن باشد ، از خودآرایی برای شوهر خویش کوتاهی نکند اما در برابر دیگران به حدی خوددار باشد که بی اعتنا جلوه کند ، نظرات همسر خویش را به ویژه در امر زناشویی مراعات کند و در برابر خواسته های مشروع او تسلیم باشد و اما

ص: 97

در عین حال سنگینی و وقار خود را از دست ندهد» (1).

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

«بهترین زنان شما ، زنانی هستند که خوشبو و معطر باشند و در خانه داری ، کدبانوی خوب و خوش پخت و مهارت در آشپزی داشته باشند و در پذیرایی از مهمان و احسان بر فقراء ، احساس خوشحالی نمایند و در اسراف و مصرف های بی مورد قدم برندارند اگر چنین باشد بدانند که آنان از کارگزاران الهی بوده و هرگز پشیمان نخواهند بود» (2).

بنا به نتیجه ای که از آیات و احادیث به دست می آید اوصاف يك زن خوب و شایسته به شرح زیر می باشد :

ص: 98

1- وسائل الشیعه ، جلد 14 ، صفحه 14 .

2- فروع کافی ، جلد 5 ، صفحه 325 .

1 - تقوی و ایمان

2 - تمکین و تأمین نیاز جنسی

3 - عفت و پاکدامنی و شرم و حیا

4 - پیروی زن از شوهر

5 - تدبیر اقتصادی و هماهنگی با امکانات شوهر

6 - زایا و بچه دار شدن

7 - زینت و آرایش برای شوهر

8 - رازداری زن نسبت به شوهر

9 - عشق و محبت بی نظیر به شوهر

همانطوری که داشتن همسر صالح برای مردان مایه خوشبختی و سعادت است برای تمام زنان نیز داشتن شوهر شایسته بالاترین آرزوها

ص: 99

است .

« إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُرُوعًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ : ما شما را چه زن و چه مرد شعبه و قبیله قرار دادیم تا مورد شناسایی قرار گیرید در حقیقت بزرگوارترین و گرامی ترین شما در پیشگاه خدا ، بانقوی ترین شما است» . (1)

در این آیه ملاك شایستگی ، فقط تقوا معرفی شده و برای زن یا مرد ، هیچ چیز دیگر قابل مقایسه با صفت «تقوی» نیست .

« وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ : و کسانی که زنان

ص: 100

1-13 / حجرات .

پاکدامن را متهم می کنند، سپس چهار شاهد نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزیند و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنها فاسقان هستند» (1).

«قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» : به مردان مؤمن و باایمان بگو که چشمان خود را فرو بندند و عورت های خود را حفظ کنند این برای آنها پاکیزه تر است ، همانا خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است» (2).

همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید :

«شایستگی داماد در تقوا و دیانت و امانتداری او نهفته است هرکس واجد این

ص: 101

1- 4 / نور .

2- 30 / نور .

شرایط باشد ، درخواست او را بپذیرد». (1)

پیامبر اکرم علیه السلام می فرمایند :

«هان، ای مردم کامل ترین مردم از جهت ایمان آن شخصی است که اخلاقش نیکو و نسبت به همسرش مهربان تر باشد». (2)

امام رضا علیه السلام می فرمایند :

«هر شوهری که دارای امکانات باشد برای او واجب است زندگی خانوادگی را توسعه بخشد». (3)

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

ص: 102

1- مکارم الاخلاق ، صفحه 204 .

2- وسائل الشیعه ، جلد 8 ، صفحه 509 .

3- روضة المتقین ، جلد 5 ، صفحه 380 .

«بهترین مردان شما ، سخاوتمند و مهمان نواز شما است و بدترین مردان شما افراد بخیل می باشد».(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند :

«از جمله نشانه های شوهران ممتاز این است که نسبت به پدر و مادر خویش مهربان و نیکوکار باشند».(2)

از این آیات و احادیث نتیجه می گیریم که بهترین شوهران و مردان ، دارای صفات ذیل می باشند :

1 - دیانت و تقوی و ایمان دارند .

2 - اخلاق و تلاشگری و کوشایی دارند.

ص: 103

1- مکارم الاخلاق ، صفحه 166 .

2- روضة المتقین ، جلد 8 ، صفحه 108 .

3 - عفت کلام دارند و فحش نمی دهند .

4 - مهمان نوازند .

5 - پاکیزه و آراسته اند .

6 - بخشش و سخاوت دارند .

7 - امین بودن .

8 - نسبت به والدین خود نیکوکارند .

9 - اصالت و نجابت خانوادگی دارند .

نگاه کردن پیش از ازدواج

« لا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتُ : بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری تبدیل کنی ، هرچند جمال آنها مورد توجه تو واقع شود

ص: 104

مگر آنچه که به صورت کنیز در ملك تو در آید...» (1).

جمعی از مفسران جمله «وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» (2) را دلیل بر حکم معروفی گرفته اند که در روایات اسلامی نیز به آن اشاره شده و آن اینکه کسی که می خواهد با زنی ازدواج کند می تواند قبلاً به او نگاه کند، نگاهی که وضع و قیافه و اندام او را برای وی مشخص کند.

فلسفه این حکم این است که انسان با بصیرت کامل همسر خود را انتخاب کند و از ندامت و پشیمانی آینده که پیمان زناشویی را به خطر می افکند جلوگیری کند چنانچه در حدیثی از پیامبر اسلام آمده است که به یکی از یاران خود که می خواست با زنی ازدواج کند فرمود: «قبلاً به او نگاه کن که این سبب می شود

ص: 105

1- 52 / احزاب .

2- هر چند زیبایی آنها اعجاب تو را برانگیزد .

مودت و الفت میان شما پایدار شود». (1)

در حدیثی دیگر از امام صادق می خوانیم: که در پاسخ این سؤال که: «آیا مرد می تواند به هنگام تصمیم بر ازدواج با زنی او را به دقت بنگرد و به صورت و پشت سر او نگاه کند؟». .

فرمود: «آری، مانعی ندارد، هنگامی که مردی بخواهد با زنی ازدواج کند به او نگاه کند و به صورت و پشت سر او بنگرد». (2)

همانطوری که ملاحظه می کنید، همگی روایات حاکی است که این نگاه کردن ها، با دو شرط، نه تنها جایز است بلکه ضروری به نظر می رسد و آن دو شرط عبارتند از:

ص: 106

1- تفسیر قرطبی، جلد 8، صفحه 5303.

2- وسائل الشیعه، جلد 14.

1 - مرد این عمل را به قصد شهوترانی انجام ندهد ، اگرچه ممکن است هنگام تماشا کردن این موضوع حاصل شود .

2 - این نگاه ها به قصد ازدواج صورت بگیرد نه برای اغراض دیگر و یا خدای نکرده برای هوسرانی .

نگاه کردن از دیدگاه فقهی

مرحوم صاحب جواهر که از علماء بسیار بزرگ شیعه می باشند می فرمایند :

«کسی که اراده تزویج نموده ، می تواند به صورت و دست ها و موی سر و محل زینت زن نگاه کند ، بلکه به جز عورتین ، نگاه کردن وی به سایر

ص: 107

اعضاء او نیز مجاز و مشروع است» (1).

قابل توجه اینکه با این فتوا، تمام مراجع تقلید فعلی موافقت کرده اند.

و حضرت امام خمینی (ره) فرموده اند:

«در صورتیکه کسی اراده تزویج با فردی را داشته باشد و احتمال هم بدهد که ازدواج محقق خواهد شد بدون نظر شهوت می تواند به تمام اعضاء بدن وی به جز عورتینش نگاه کند، اگر چه تلذذ پس از نگاه کردن حاصل می شود اما احتیاط مستحب این است که فقط به صورت دست ها و محل زینت و موی سرش نگاه کند و از دیدن بقیه قسمت ها اجتناب نماید» (2).

ص: 108

1- عروة الوثقی، فصل مستحبات نکاح.

2- تحریر الوسیله، جلد 2، صفحه 245.

پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست

« قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ : شعيب گفت : من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم ، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی ، محبتی از ناحیه تو است ، من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم و ان شاء الله مرا از صالحین خواهی یافت» . (1)

استفاده می شود آنچه امروز در میان ما رایج شده که پیشنهاد پدر و کسان دختر را در مورد ازدواج با پسر عیب می دانند درست نیست ، هیچ مانعی ندارد

ص: 109

کسان دختر شخصی را که لایق همسری فرزندشان می دانند ، پیدا کنند و به او پیشنهاد دهند همان گونه که شعیب چنین کرد .

در اینجا چند سؤال پیش می آید و آن اینکه :

الف : آیا از نظر فقهی صحیح است دختری که می خواهد به ازدواج کسی درآید دقیقا معلوم نباشد ؟

پاسخ : معلوم نیست که عبارت فوق به هنگام اجرای صیغه گفته شده باشد بلکه ظاهر این است که گفتگوی مقدماتی و به اصطلاح «مقاوله» است تا بعد از موافقت حضرت موسی ، طرفین یکدیگر را انتخاب کنند .

ب : آیا می توان «مهر» را به صورت مجهول و مردد میان کم و زیاد قرار داد ؟

پاسخ : از لحن آیه برمی آید که مهریه واقعی هشت سال خدمت کردن بوده است و دو سال دیگر مطلبی بوده است موقوف به اراده و میل حضرت موسی .

ص: 110

ج: اصولاً آیا می توان «کار و خدمات» را مهریه قرار داد؟ و چگونه می توان با چنین همسری هم بستر گردید در حالی که هنوز زمان پرداخت تمام مهریه او فرا نرسیده است؟

پاسخ: هیچ دلیلی بر عدم جواز چنین مهری وجود ندارد، بلکه اطلاعات ادله مهر در شریعت ما نیز هر چیزی را که ارزش داشته باشد شامل می شود، این هم لزومی ندارد که تمام مهر را يك جا بپردازند، همین اندازه که تمام آن در ذمه شوهر قرار گیرد وزن مالک آن شود کافی است، اصل سلامت و استصحاب نیز حکم می کند که این شوهر زنده می ماند و توانایی بر اداء این خدمت را دارد.

د: اصولاً چگونه ممکن است خدمت کردن به پدر، مهر دختر قرار گیرد؟ مگر دختر کالایی است که او را به آن خدمت می فروشند؟

پاسخ: بدون شك شعيب از سوی دخترش در این مسأله احراز رضایت

نموده و وکالت داشت که چنین عقودی را اجرا کند و به تعبیر دیگر مالک اصلی در ذمه موسی ، همان دختر شعیب بود ، اما از آنجا که زندگی همه آنها به صورت مشترك و در نهایت صفا و پاکی می گذشت و جدایی در میان آنها وجود نداشت این مسأله مطرح نبود که ادای این دین چگونه باید باشد .

ه : مهریه دختر شعیب مهریه سنگینی بوده زیرا اگر به حساب امروز کار يك کارگر معمولی را در يك سال محاسبه کنیم و سپس در 8 ضرب کنیم مبلغ قابل ملاحظه ای می شود ؟

پاسخ : اولاً این ازدواج يك ازدواج ساده نبود بلکه مقدماتی بود برای ماندن موسی در مکتب شعیب ، مقدمه ای بود برای اینکه موسی يك دانشگاه بزرگ را در این مدت طولانی طی کند و خدا می داند که در این مدّت موسی چه چیزها از «پیرمدین» (شعیب) فرا گرفت .

ص: 112

از این گذشته اگر موسی این مدت را برای شعیب کار می کرد، در عوض شعیب نیز تمام زندگی او و همسرش را از این طریق تأمین می نمود بنابراین اگر هزینه موسی و همسرش را از مزد این کار کم کنیم مبلغ زیادی باقی نخواهد ماند و تصدیق خواهیم کرد مهر ساده و سبکی بوده است .

آیا می توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد؟

« ... وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا : و هرگاه زن باایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود قایل نشود) چنانچه پیامبر بخواهد می تواند با او ازدواج کند ، اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه سایر مؤمنان ، ما می دانیم برای آنها در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته ایم ،

ص: 113

این به خاطر آن است که مشکلی در ادای رسالت بر تو نبوده باشد و خداوند آمرزنده و مهربان است». (1)

در این آیه بدون شك اجازه «گرفتن همسر بدون مهر» از مختصات پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آیه نیز صراحت در این مسأله دارد و به همین جهت از مسلمات فقه اسلام است، بنابراین هیچ کس حق ندارد همسری را بدون مهر (کم باشد یا زیاد) ازدواج کند حتی اگر نام مهریه هنگام اجرای صیغه عقد برده نشود و قرینه تعیین کننده ای نیز در کار نباشد باید «مَهْرُ الْمَثَلِ» پرداخت. منظور از «مَهْرُ الْمَثَلِ» مهریه ای است که زانی با شرایط و خصوصیات او معمولاً برای خود قرار می دهند.

و در اینکه این حکم کلی در مورد پیامبر مصداقی پیدا کرده یا نه؟

ص: 114

1- 50 / احزاب .

بعضی از مفسّرین چون ابن عباس معتقدند که پیامبر با هیچ زنی به این کیفیت ازدواج نکرد بنابراین این حکم بالا فقط يك اجازه کلی برای پیامبر بود که هرگز مورد استفاده قرار نگرفت در حالی که بعضی دیگر از مفسّرین نام چهار زن از همسران پیامبر را برده اند که بدون مهریه ازدواج آن حضرت درآمدند: «میمونه» دختر حارث، «زینب» دختر خزیمه، «ام شریک» دختر جابر، «خوله» دختر حکیم بوده است و بدون شك این گونه زنان تنها خواهان کسب افتخار معنوی بودند که از طریق پیامبر برای آنها حاصل می شد لذا بدون هیچ مهری آماده همسری با او شدند.

و همچنین از این آیه به خوبی استفاده می شود که اجرای صیغه ازدواج با لفظ «هبه» تنها مخصوص پیامبر بوده و هیچ فرد دیگری نمی تواند با چنین لفظی عقد ازدواج را اجرا کند ولی اگر اجرای عقد با لفظ ازدواج و نکاح انجام گیرد جایز است

هرچند نامی از مهر برده نشود، زیرا همان گونه که گفته شد در صورت عدم ذکر مهر باید «مهرالمثل» پرداخت .

تعبیر به «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دو را شامل می شود

«إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ : تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره گیری از این ها مورد سرزنش قرار نمی گیرند». (1)

تعبیر به «همسران» شامل همسران دائم و موقت هر دو می شود . از آیات فوق استفاده می شود که تنها دو گروه از زنان بر مردان حلال هستند ، نخست همسران و دیگر کنیزان (با شرایط مخصوص) و به همین جهت این آیه در

ص: 116

1-6 / مؤمنون و 30 / معارج .

کتاب فقهیه در بحث های نکاح در موارد بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است .

با توجه به این حقیقت که (متعّه) به طور مسلم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلال

بوده است و احدی از مسلمانان آن را انکار نمی کنند و با توجه به اینکه متعه يك نوع ازدواج است ، ازدواجی است موقت و دارای شرایط ازدواج دائم ، بنابراین قطعاً در جمله «إلاَّ عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ» داخل است و به همین دلیل به هنگام خواندن صیغه ازدواج موقت ، از همان صیغه های ازدواج دائم با قید مدّت استفاده می شود و این بهترین دلیل بر ازدواج بودن آن است .

شرایط عقد ازدواج دائم و موقت

اول : آنکه به عربی صحیح خوانده شود به احتیاط واجب .

دوم : مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می خوانند زن به

گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» زن بودن او را برای خود قبول کند .

سوم : کسی که صیغه را می خواند بالغ و عاقل باشد .

چهارم : زن و مرد به ازدواج راضی باشند .

پنجم : اگر وکیل زن و شوهر و یا ولی آنها صیغه را می خوانند ، در عقد ، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره کنند .

دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت

به واسطه عقد ازدواج ، زن به مرد حلال می شود و آن بردو قسم است : دائم ، غیردائم .

عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و زنی را که به این قسم عقد کنند دائمه می گویند و عقد غیردائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود مثلاً زن را به مدت يك ساعت یا يك روز یا يك ماه ... عقد نمایند و

ص: 118

زنی را که به این قسم عقد کنند متعه و صیغه می نامند . در ازدواج زناشویی دائم و موقت باید صیغه عقد خوانده شود .

دستور خواندن عقد دائم

اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: «رَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده) . پس از

مرد بدون فاصله بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ» (یعنی قبول کردم

ازدواج را⁽¹⁾) ، عقد صحیح است .

و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد بخواند وکیل زن می گوید: «رَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي ... مُوَكَّلَكَ ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ»
پس بدون

ص: 119

1- توضیح المسائل ، امام خمینی ره .

فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمَوْكَلِّي ... عَلَى الصَّدَاقِ» صحیح باشد .

دستور خواندن عقدموقت (غیردائم)

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیردائم را بخوانند بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند (تعیین مدت و مهر در عقد موقت لازم و واجب است) . چنانچه زن بگوید: « زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ » بدون فاصله مرد بگوید: «قَبِلْتُ» صحیح است .

و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «مَتَّعْتُ مَوْكَلَّتِي مَوْكَلَّكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمَوْكَلِّي هَكَذَا» صحیح می باشد. (1)

ص: 120

1- توضیح المسائل ، امام خمینی ره .

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ / اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ / فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ / لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ / وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا / وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ / وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ / وَاسْتَمْلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ عَلَيْهِمْ أَنْ يَحْكُمُوا بَيْنَكُمْ / وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ : ای کسانی که ایمان آورده اید ! هنگامی که زنان باایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند ، آن ها را آزمایش کنید - خداوند از ایمان آن ها آگاه تر است - هرگاه آنان را مؤمن یافتید، آن ها را به سوی کفار بازنگردانید، نه آن ها برای کفار حلالند و نه کفار برای آن ها حلال و آن چه را همسران آن ها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته اند ،

به آن ها بپردازید و گناهی بر شما نیست که با آن ها ازدواج کنید ، هرگاه مهرشان

رابطه آن‌ها بدهید و هرگز همسران کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید، مطالبه کنید، همان‌گونه که آن‌ها حق دارند مهر زناشان را که از آنان جدا شده‌اند، از شما مطالبه کنند، این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.»

«وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا اتَّقُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ: و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که همسرانشان رفته‌اند، همانند مهری را که پرداخته‌اند، بدهید و از مخالفت خداوندی که همه به او

در این آیه خداوند به عنوان تأکید می فرماید: « لا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلاَهُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ » چراکه ایمان و کفر در يك جا جمع نمی شود و پیمان مقدس ازدواج نمی تواند میان مؤمن و کافر رابطه ای برقرار سازد، چراکه این ها در دو خط متضاد قرار دارند، درحالی که پیمان ازدواج باید نوعی وحدت در میان دو زوج برقرار سازد و این دو با هم سازگار نیست.

از آنجا که معمول عرب بود که مهریه زنان خود را قبلاً می پرداختند خداوند می فرماید: « وَآتُوهُمْ مِمَّا أَنْفَقُوا ».

درست است که شوهرشان کافر است اما چون اقدام بر جدایی به وسیله ایمان

ص: 123

از طرف زن شروع شده، عدالت اسلامی ایجاب می کند که خسارات همسرش خصوصاً مهریه وی پرداخته شود. البته این پرداخت مهر در مورد مشرکانی بود که با مسلمانان پیمان ترك مخاصمه امضاء کرده بودند.

اما چه کسی باید این مهر را پردازد؟ ظاهر این است که این کار برعهده حکومت اسلامی و بیت المال است، چراکه تمام اموری که مسئول خاص در جامعه اسلامی ندارد، برعهده حکومت است و خطاب جمع در آیه مورد بحث گواه این معنی است.

و همچنین در حکم دیگری می فرماید: « وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ ... ».

مبادا تصور کنید که چون قبلاً مهری از شوهر سابق گرفته اند و معادل آن از بیت المال به شوهرشان پرداخته شده، اکنون که با آنها ازدواج می کنید، دیگر مهری در کار نیست و برای شما مجانی تمام می شود، نه، حرمت زن ایجاب

می کند که در ازدواج جدید نیز مهر مناسبی برای او در نظر گرفته شود ، باید توجه داشت که در اینجا زن بدون طلاق از شوهر کافر جدا می شود ، ولی باید عده نگه دارد .

اما هرگاه قضیه برعکس باشد، یعنی شوهر اسلام را بپذیرد و زن بر کفر باقی بماند، در اینجا نیز رابطه زوجیت به هم می خورد و نکاح فسخ می شود ، چنانچه در ادامه همین آیه می فرماید : « وَ لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ » . «عِصَمٌ» جمع «عصمت» در اصل به معنی «منع» و در اینجا به معنی «نکاح و زوجیت» است . «کوافر» جمع «کافرة» به معنی «زنان کافر» است و ظاهر آیه مطلق می باشد و همه زنان کافر (زنان مشرک ، زنان اهل کتاب) را شامل می شود .

و در آخرین حکم که در آیه آمده ، سخن از مهر زنانی است که از اسلام جدا می شوند و به اهل کفر می پیوندند ، می فرماید : « وَ اسْتَأْذِنُوا مَا أَنْفَقْتُمْ

ص: 125

وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا : و این مقتضای عدالت و احترام به حقوق متقابل است» .

و در عین اینکه مسلمانان به حکم عادلانه ذکر شده در آیه قبل عمل کردند ، شرکان سرباز زدند ، لذا دستور داده شده برای عدم تضييع حق این افراد ، هرگاه غنایمی بدست آمد ، اول حق آنها را پردازند سپس غنایم را تقسیم کنند و این احتمال هم وجود دارد که حکم فوق مربوط به اقوامی باشد که مسلمانان با آنها پیمان نداشتند و طبعاً حاضر نبودند مهر این گونه زنان را به مسلمانان باز پس دهند ، جمع میان هر دو معنی نیز ممکن است .

در تواریخ و روایات آمده است که این حکم اسلامی تنها شامل شش زن شد که از همسران مسلمان خود بریدند و به کفار پیوستند و پیامبر صلی الله علیه و آله مهر همه آنها را از غنایم جنگی به شوهرانشان بازگرداند .

قال الله تعالى : «وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ

ص: 126

نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (1).

و مهر زنان را (بطور کامل) به عنوان يك بدهی (یا يك عطيه) به آنها بپردازید و اگر آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را حلال و گوارا مصرف کنید .

تعريف واژه مهر (صداق)

مهر کلمه ای است عربی و در فارسی آن را کابین گویند و لغات دیگر مترادف آن در عربی ، صداق ، نحله ، فریضه ، اجر می باشد . در قرآن مجید واژه مهر به کارنرفته بلکه از لغات معادل آن استفاده شده که یکی از آن صداق است و «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (2) (3) و در قاموس قرآن آورده :

ص: 127

1- 4 / نساء .

2- 4 / نساء .

3- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه ، جلد 3 ، صفحه 262 ، تاریخ انتشار اردیبهشت 1354 .

صَدَّقَهُ : به فتح صاد و ضم دال مهریه زن است که جمع آن در قرآن صَدَقَات آمده. (1)

اخفش از قول بنی تمیم نقل می کند که :

صَدَّقَهُ ، به ضم صاد و سکون دال جمع صَدَقَات است (2) در فرهنگ جامع هم صَدَّقَهُ و صَدَاق و صِدَاق و أَصْدِيقَه و صُدِّقَ ، به معنی مهریه آمده است . (3)

راغب اصفهانی هم در مورد صِدَاق می فرماید :

صَدَاق با کسر و فتح و ضم آن چیزی است که به زن از باب مهر پرداخت

ص: 128

1- قاموس قرآن ، جلد 3 - 4 ، صفحه 117 ، ماده صدق .

2- اعراب القرآن ، جلد 1 ، صفحه 434 .

3- فرهنگ جامع عربی فارسی جلد اول ، ماده صدق .

می شود علت اینکه به مهر در قرآن به صدق تعبیر شده است حاکی از بنیان و تشکیل يك خانواده براساس صداقت و درستی است .

فلسفه مهریه

اشاره

حکمت متعالیه الهی هیچ فعلی را بدون حکمت و هدف تشریح ننموده است .

بنابراین بر صاحبان اندیشه و پژوهشگران متعهد است که در حد توان عملی خود پرده از روی حکمت های احکام تشریحی برداشته و آن چهره زیبا و متکامل قوانین الهی را برای انسان کمال طلب و حقیقت جو ، با قلم هنرمندانه خود به تصویر بکشند و ابر تیره و تار ضلالت را از پیش چشم کج اندیشان بی سلیقه و روشنفکر مأب های خودباخته کنار زنند ، تا ایرادهای ناآگاهانه بر مهریه گرفته نشود و مهریه را نوعی معامله و نهایتاً توهین به زن نشمارند .

در فلسفه مهریه باید روشن شود که تمام ایرادهایی که بر مهریه گرفته شده

ص: 129

است با دید تنگ نظرانه مادی و اقتصادی بوده است و سایر ابعاد معنوی و تربیتی لطیف مهریه که حاکی از پیوند محبت و عشق و بقاء و تکامل بوده است منظور نشده است .

در پیگیری هدفی که در جهت روشن شدن فلسفه مهریه داشتیم با استمداد از توفیقات الهی و با استفاده از تقاسیر بزرگان که در ذیل آیه شریفه 4 / نساء بیان کرده اند ، به نکت قابل توجهی رسیدیم که برای ما حائز اهمیت بوده و اعتقاد مرا به حکمت الهی راسخ تر نموده است .

با اعتراف به اینکه نتیجه به دست آمده تمام فلسفه مهریه نبوده و هنوز حق مطلب ادا نشده است نتایج تحقیق با توضیح ارائه می شود .

1 - مهریه تجلی فطرت و طبیعت است

هدیه دادن به محبوب به عنوان اظهار محبت و نشان دادن علاقه ، امری فطری

ص: 130

و طبیعی است که معمولاً از سوی کسی که پیشقدم می شود و طالب و یا خواستگار است ارائه می شود .

طبیعتاً و غالباً در نظام آفرینش ، جنس مذکر خواستگار جنس مؤنث است همانطور که دانشمندان علوم تجربی هم این موضوع را در نظام آفرینش و زندگی حیوانات کشف کرده اند ، که جنس مذکر قبل از جفت گیری هدیه ای را به همسر آینده اش تقدیم می کند .

در کتاب «اسرار جهان دانش» تحت عنوان نامزدی و زناشوئی در میان پرندگان آمده است :

عجیب تر از همه ، استفاده از هدیه عروسی بین پرندگان است که به تازگی کشف کرده اند . زاغچه نر بعد از بازدید آشیانه های موردنظر به اتفاق همسر آینده اش ، به او يك حشره هدیه می کند .

ص: 131

سهره چند هفته بعد از نامزدی با هدیه نمودن دانه هایی چند به معشوق خود عشقش را محکم تر می سازد . يك نوع پرنده دریایی به نام مرغ اسکله رقص ازدواج را متوقف کرده و داخل رودخانه می شود و از آنجا يك ماهی صید کرده و به همسر آینده اش ، هدیه می کند .

مرغان گوشتخوار هدیه مهم تری تقدیم می دارند . مار چیزی هدیه نمی کند اما چند شکاف درخت را با برگ یا علف و گاهی با گل تزئین می کند و به آواز مخصوصی آنها را به نامزدش نشان می دهد . به طور کلی پیشکش ها مختلف است اغلب وسایل مورد نیاز برای آشیانه سازی یا خوراکی هدیه می کنند و یا تحفه هایی بی فایده ولی سمبولیک تقدیم می دارند . چرا این هدایا را می دهند ؟ گویی پرنده نر بدان وسیله اظهار می دارد : من هنگام خوابیدن روی تخم ها از تو خوب مواظبت خواهم کرد و برایت غذا فراهم خواهم کرد یا می گوید باید به فکر

ص: 132

ساختن آشیانه مان باشیم . واضح است که این تعبیر و تفسیرها ساخته و پرداخته ذهن بشری است و باید در صحت آنها تردید کرد . ممکن است که تقدیم این هدایا جزو يك سلسله از بازتاب های مشروط باشد که منجر به ازدواج می گردد ولی مطلب جالب توجه این است که همواره ماده مورد احترام نر است و غالباً هدیه از طرف نر به ماده داده می شود . اما غالب اوقات پرنده ماده او را به دادن هدیه ترغیب می کند . در این موقع او حالت و رفتار پرنده کوچکی را به خود می گیرد که درخواست خوراکی از منقار مادرش دارد و در حالی که با بال های لرزان ملتمسانه چمباتمه زده است مانند پرنده تازه از تخم درآمده ای با منقار گشوده تقاضای کمک می کند . و بالاخره دکتر ز. وسلوسکی می گوید: هدایا در بسیاری از تشریفات اظهار عشق ، نقش مهمی بازی می کنند . پرستوی دریایی نر برای جفتش يك ماهی كوچك به رسم هدیه می آورد و كبوترهای الماسی

استرالیا يك دسته علف آبی برای یکدیگر پیشکشی می آورند . (1)

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه 4 سوره نساء می فرماید :

اگر می بینید که کلمه صَدَقَات به ضمیر (هُنَّ) زنان اضافه شده به جهت بیان این مطلب است که وجوب دادن مهریه زنان مسأله ای نیست که فقط آن را دین تأسیس (2) کرده باشد بلکه مسأله ای است که اساساً در بین مردم و در سنن ازدواجشان متداول بوده است ، سنت خود بشر بر این جاری بوده و هست که

ص: 134

-
- 1- ازدواج در نظام آفرینش ، تألیف : سیدجمال الدین حجازی ، ناشر شرکت انتشارات میقات ، تاریخ نشر پائیز 70 ، صفحه 1362 .
 - 2- احکام شرعی یا تأسیسی هستند یا ارشادی، احکام تأسیسی آن است که عقل در مورد حکمی سکوت دارد و شرع آن را بنا و ایجاد می نماید برخلاف ارشادی که عقل به تنهایی حکم دارد و شرع هم اظهار نظر کرده است .

پولی و یا مالی را که قیمتی داشته باشد به عنوان مهریه به زنان اختصاص دهند و کآئه این پول را در مقابل عصمت او قرار می دهند و آنچه بین مردم متداول است این است که طالب و داعی برای ازدواج مرد می باشد . (1)

استاد بزرگوار شهید مطهری می فرماید :

قرآن رموز فطرت بشر را با کمال دقت رعایت کرده است و برای اینکه هریک از زن و مرد نقش مخصوصی که در طبیعت از لحاظ علائق دوستانه به عهده آنها گذاشته شده ، فراموش نکنند لزوم مهر را تأکید کرده است . نقش زن این است که پاسخگوی محبت مرد باشد . محبت زن خوب است به صورت عکس العمل محبت

ص: 135

1- المیزان فی تفسیر القرآن ، علامه سید محمدحسین الطباطبائی ، م 1402 ق ، جلد 4 ، صفحه 169 .

مرد باشد نه به صورت ابتدائی . عشق ابتدائی زن ، یعنی عشقی که از ناحیه زن شروع بشود و زن بدون آنکه مرد قبلاً او را خواسته باشد عاشق مردی بشود ، همواره با شکست عشق و شکست شخصیت خود زن همراه است ، برخلاف عشقی که به صورت پاسخ به عشق دیگری در زن پیدا می شود ، این چنین عشقی نه خودش شکست می خورد و نه به شخصیت زن لطمه وارد می آورد . (1)

پس می توان نتیجه گرفت وجود مهریه يك قانون جاری و ساری در طبیعت و خلقت می باشد و اسلام به عنوان يك دین کامل و فطری روی این سنت انگشت گذاشته و چهارچوب شرعی و قانونی آن جهت اصلاح امور خانواده بیان کرده

ص: 136

1- نظام حقوق زن در اسلام مؤلف : استاد شهید مرتضی مطهری ، انتشارات صدرا - قم - چاپ هشتم تیرماه 1357 ، چاپ امیر قم صفحه 211 .

است.

مخالفت با امر مهریه در واقع مخالفت با يك واقعیت و فطرت می باشد که باعث تزلزل در ارکان زندگی می شود .

2 - مهر قانون عشق و جذب است

نوع علاقه زن به مرد متفاوت است و با اینکه تجاذب طرفینی است ، اما به عکس اجسام بی جان، جسم کوچک تر ، جسم بزرگ تر را به سوی خود می کشاند . آفرینش ، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت ، قرار داده است . احساسات مرد ، نیازآمیز و احساسات زن نازخیز است . احساسات مرد طالبانه و احساسات زن ، مطلوبانه است .

استاد بزرگوار شهید مطهری در این ارتباط می فرماید :

عرفا قانون عشق را بر سراسر هستی سرایت می دهند و می گویند :

ص: 137

عشق و جذب و انجذاب بر سراسر موجودات و مخلوقات حکومت می کند، با این خصوصیت که موجودات و مخلوقات از لحاظ اینکه هر موجودی وظیفه خاصی را باید ایفا کند متفاوتند، سوز در يك جا و ساز در جای دیگر قرار دارد.

مهر از آنجا پیدا شد که در متن خلقت نقش هر يك از زن و مرد نسبت به یکدیگر يك جور نیست. قانون خلقت، جمال و غرور و بی نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است. (1)

زندگی بدون وجود عشق و محبت يك زندگی تشریفاتی و سرد و بی روح خواهد بود و نتیجه ای جز از هم پاشیدگی شیرازه نظام خانواده و جامعه و

ص: 138

1- نظام حقوق زن در اسلام مؤلف: استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا - قم - چاپ هشتم تیرماه 1357، چاپ امیر قم صفحه 211.

بی هویتی و ایجاد بحران به دنبال نخواهد داشت .

آنچه به زندگی روح و معنی می دهد قانون عشق و محبت است .

این عشق است که موجب بقاء خانواده و موجب جنبش و حرکت و گرم کردن زندگی خانوادگی می شود . عشق و محبت در هر يك از موجودات جهان به عنوان يك روح و يك نیرو وجود دارد که آنها را در راه وصال ، به کوشش وحدت وامی دارد .

مهریه هم پیام و نمادی است از اظهار عشق و شروع آغاز زندگی جدید با شیرینی عشق و محبت . حال چه مقدار مهریه کم باشد و چه زیاد .

در قرآن شریف هم کلمه نحله را به عنوان حال از برای صَدَقَاتِهِنَّ آورده است «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (4 / نساء) .

در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه شریفه فوق در مورد نِحْلَةَ می فرماید :

ص: 139

گرفت این است که مهریه يك اظهار عشق و محبت فوق العاده ای می باشد که حتی فوق هبه و بخشش است و شوهر با تعیین مهر نهایت عشق به همسر و زندگی خود را اعلام می کند آنگاه است که این پیوند مقدس شامل این آیه شریفه می شود:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (21 / روم). (1)

«و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد ، در این امر نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند» .

شهید مطهری (ره) می فرماید :

ص: 141

1- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه ، جلد 16 ، صفحه 388 ، چاپ 12 ، تابستان 1374 .

رابطه زن و شوهر بالاتر از يك معادله ساده است و در آن عاطفه و مهر، نقش مهمی دارد زیرا زن با مهریه ملك شوهر نمی شود ولی قلب او باید به تسخیر مرد درآید. (1)

پس زندگی باید با عشق و شیرینی خاصی که با علامت مهر نشان داده می شود شروع شود و کلیه تلخی های زندگی شیرین شود و همه مشکلات و دردهای زندگی شفا پیدا کند زیرا یکی از نکات مهمی که در مورد مهر در آیه «صداق» بیان شده عبارت «هنیا مریئا» می باشد زیرا همان طوری که خداوند در مورد غسل فرموده شفاء است از برای مردم «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ

أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (72/نحل). «از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج

ص: 142

1- نظام حقوق زن در اسلام: شهید مطهری، صفحه 200.

می شود، به رنگ های مختلف، که در آن شفای مردم است» (1).

در مورد مهریه علاوه بر اینکه کلمه نِحْلَة آورده عبارت هَنِيئًا مَرِيئًا هم بیان نموده است.

در تفسیر مجمع البیان می فرماید:

فَالْهِنِيُّ شِفَاءٌ مِنَ الْمَرَضِ (2) هَنِيءٌ به معنای شِفَاءٌ از مرض است.

و در تفسیر رَوْضُ الْجَنَانِ وَرَوْحُ الْجَنَانِ در مورد مَرِيئًا از قول ابو حمزه می فرماید: مَرِيئًا لَادَاءٌ فِيهِ (3) مَرِيئًا یعنی چیزی که در آن دردی نیست.

ص: 143

1- ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد 11، صفحه 295.

2- مجمع البیان فی تفسیر القرآن: جلد 2، از ده جلدی در 5 جلدی، صفحه 4.

3- روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن: جلد 5، صفحه 144.

در مورد اینکه مهر موجب شفای امراض می شود اخبار زیادی از معصومین رسیده که به دو روایت از مستدرک الوسائل اشاره می شود .

دعائم الاسلام : عن علی علیه السلام : أَنَّهُ قَالَ : «أَبْعِزُ أَحَدَكُمْ إِذَا مَرِضَ أَنْ يَسْأَلَ امْرَأَتَهُ فَتَهَبَتْ لَهُ مِنْ مَهْرِهَا دِرْهَمًا . فَيَشْتَرِي بِهِ عَسَلًا فَيَشْرِبُهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي الْمَهْرِ : فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا وَيَقُولُ فِي الْعَسَلِ : فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ . وَيَقُولُ فِي مَاءِ السَّمَاءِ : أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا» . (1)

یعنی : در دعائم اسلام از علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود :

آیا یکی از شما عاجز شده است از مرضی تا اینکه از همسرش بخواهد که به او درهمی از مهرش را ببخشد (پس از گرفتن درهم) با آن عسل بخرد و آن را با

ص: 144

باران بنوشد چون خداوند در مورد مهر فرموده: اگر مقداری از مهر به شما بخشیدند بخورید آن را هنیئا و مریئا. و در مورد غسل فرمود: در آن شفاء است و در مورد باران فرمود: نازل نمودیم از آسمان آبی مبارك.

قطب راوندی نیز روایتی در لب اللباب از قول حضرت علی علیه السلام نقل کرده است: مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ فَلْيَسْأَلْ امْرَأَتَهُ ثَلَاثَ دَرَاهِمٍ مِنْ صِدَاقِهَا وَيَشْتَرِ بِهَا عَسَلًا ثُمَّ يَكْتُبُ سُورَةَ يَاسِينَ بِمَاءِ الْمَطَرِ وَيَشْرِبُهُ، شِفَاءُ اللَّهِ، لِأَنَّهُ اجْتَمَعَ لَهُ الْهَنِيُّ وَالْمَرْنِيُّ وَالشُّفَاءُ وَالْمُبَارَكُ». (1)

چون یکی از شما را رنجی باشد سه درهم از مهریه زن خود بخواد و با آن غسل بخرد و با آب باران بیامیزد و سوره یاسین را با آن بنویسد و بیاشامد،

ص: 145

میان هنتی و مرئی و شفاء و برکت جمع کرده است .

روایت فوق با مقدار کمی اختلاف در بسیاری از تفاسیر ، ذیل آیه 4 سوره نساء ذکر شده است .

3 - مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است

مهر، با حیا و عفاف زن يك ریشه دارد ، زن بالهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد .

همین ها سبب شده که زن توانسته با ناتوانی جسمی ، مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشاند و مردها را به رقابت با یکدیگر وادار کند زن از مرد در مقابل شهوت توانا تر و خوددارتر آفریده شده است . مرد در مقابل غریزه از زن ناتوان تر است این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم او نشود و برعکس مرد را وادار کند که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام نماید یکی از آن اقدامات این بوده که برای جلب

ص: 146

رضای او و به احترام موافقت او هدیه ای نثار او کند. (1)

قبلا هم از علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان بیان شد که مهر را عوض عصمت قرار می دادند .

پس می توان نتیجه گرفت که مهریه عامل حفظ و کنترل دختر از انحراف و نگهداری خود می باشد . چون حفظ بکارت تا هنگام عقد شرعی و شوهر قانونی از جمله نشانه پاکدامنی و عصمت زن می باشد که اگر چنانچه شوهر شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده می تواند عقد را بهم بزند (2) و در این صورت مهری به زن تعلق نخواهند گرفت چون در

ص: 147

1- حقوق زن در اسلام : شهید مطهری ، صفحه 201 .

2- طبق فتوای امام خمینی ره ، مسأله (2444) توضیح المسائل .

حکم تدلیس خواهد بود .

صاحب تفسیر الفرقان در مورد توصیف مهر به نحله می فرماید :

وَ اِيتَاءَ لِكِرَامَةِ الزَّوْجِيَّةِ نِحْلَةً . نِحْلَةً (مهریه) در ازاء آن کرامت و شخصیت و عزت زن است . و سپس توضیح داده است که : وَ فِي اِضَافَةِ الصَّدَقَاتِ اِلَيْهِنَّ لَمَحَّةٌ

أُخْرَى بِذَلِكَ الْاِخْتِصَاصُ ، فَلَمْ يَقُلْ : صَدَقَاتُكُمْ ... وَ اِنَّمَا (صَدَقَاتُهُنَّ الْخَاصَّةُ بِهِنَّ كَحَقِّ اَصِيلٍ فِي حَقْلِ الزَّوْاجِ) . (1)

در اینکه صدقات (مهر) به ضمیر هن اضافه شده نه بکم ، لطف خاصی دارد ، که مهریه در زندگی زناشویی ، حق اصلی آنها است نه اینکه منتی باشد .

در اسلام مهریه معرف شخصیت و استقلال زن و به معنی

ص: 148

عزت و حرمت زن می باشد زیرا که مهریه هدیه است و هدیه و پیشکش را نزد بزرگان یا کسی می برند که دل به او سپرده باشند و برای او قدر و مقام و حرمت و عزتی قائل باشند .

4 - مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می شود

شاید در میان مردها کسانی پیدا شود که هوس باز باشند و پس از آنکه چشم آنها از همسرشان سیر شد و زن نشاط و جوانی و زیبایی خود را از دست داده او را رها کنند و مجدداً دنبال زنی دیگر باشند (با توجه به اینکه قدرت در دست مرد است) . در نتیجه کانون گرم خانواده از هم پاشیده شده و چه بسا بچه هایی بی خانمان و محروم از تربیت خانوادگی شوند و ضررهای جبران ناپذیری بر پیکر جامعه خصوصاً زن وارد شود .

دین که در جهت بقاء و اصلاح جامعه و خانواده تلاش می کند باید ابزارهای

ص: 149

کنترل کننده ای وضع کند تا جامعه و خانواده از هم پاشیده و متزلزل نشوند . یکی از آن ابزارها مهریه می باشد تا افرادی که بدون دلایل شرعی و قانونی نظام خانواده خود را بر هم نزنند و جلوی هوس های آنها گرفته شود . مهر ترمزی در برابر تمایلات مرد نسبت به جدایی و طلاق محسوب می شود در تفسیر نمونه در ذیل آیه 4 سوره نساء آمده است :

درست است که مهر از نظر قوانین اسلام با برقرار شدن پیمان ازدواج به ذمه مرد تعلق می گیرد و زن فوراً حق مطالبه آن را دارد ، ولی چون معمولاً به صورت بدهی بر ذمه مرد می ماند ، هم اندوخته ای برای آینده زن محسوب می شود و هم

ص: 150

پشتوانه ای برای حفظ حقوق او و از هم نپاشیدن پیمان زناشویی است. (1)

چنانچه مردی زنی را عقد نمود بعد تصمیم گرفت او را طلاق دهد در صورتی که با او هم بستر نشده باشد باید نصف مهر و اگر هم بستر شده باشد تمام مهر را پردازد.

امام خمینی (ره) می فرماید :

لَوْ طَلَّقَ قَبْلَ الدُّخُولِ سَقَطَ نِصْفُ الْمَهْرِ الْمُسَمَّى وَبَقِيَ نِصْفُهُ. (2)

اگر مرد همسرش را قبل از هم بستر شدن طلاق دهد نصف مهر معین ساقط

ص: 151

1- تفسیر نمونه : جلد 3 ، صفحه 262 .

2- ترجمه تحریرالوسیله ، جلد 3 ، صفحه 534 ، مسئله 13 .

می شود و نصف دیگر برعهده شوهر است و بر همین مبنا در قانون مدنی آمده است: (ماده 1092) هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد مستحق نصف مهر خواهد بود. (1)

5 - مهر موجب تعادل اقتصادی است

داشتن امنیت اقتصادی یکی از اهداف مهم تلاش ها و فعالیت های فردی و اجتماعی می باشد و در ازدواج هم همین هدف دنبال می شود.

زن و شوهر با همفکری و ایجاد فضائی آرام و با تقسیم کارها موجب امنیت و آرامش برای فعالیت های اقتصادی می شوند، اما با اینکه زن دارای استقلال مالی

ص: 152

1- نظام خانواده نکاح و انحلال آن، صفحه 259.

می باشد ولی در جوامع بشری ابتکار عمل در مسائل اقتصادی و درآمدی بیشتر در دست مردان می باشد و در صورت طلاق و جدائی زن بدون پشتوانه اقتصادی می ماند ، وجود مهریه يك نوع احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه ای برای زن می باشد .

به علاوه مردان برای انتخاب همسر مجدد امکانات بیشتری دارند ولی زنان بیوه مخصوصا با گذشت قسمتی از عمر آنها و از دست رفتن سرمایه جوانی و زیبایی ، امکان کمتری برای انتخاب همسر جدید دارند با توجه به این جهات روشن می شود که امکانات و سرمایه ای را که زن با طلاق از دست می دهد بیش از امکاناتی است که مرد از دست داده است و در حقیقت مهر چیزی است به عنوان

ص: 153

جبران خسارت برای زن و وسیله ای برای تأمین زندگی آینده اوست (1) در تفسیر انوارالعرفان می فرماید :

مهر يك عطيه الهی است و خداوند به خاطر اینکه زن حقوق بیشتری در اجتماع داشته باشد و ضعف نسبی جسم وی از این طریق جبران گردد، به طور کامل ادا نماید (2) لهذا در منابع فقهی و حقوقی مشاهده می کنیم که مهریه ملك شخص زوجه است و دیگران حتی والدین او هم حقی در آن ندارند این موضوع را در فصل های آینده از نظر فقهی و روایی و قانونی مفصل بحث خواهیم نمود.

ص: 154

1- تفسیر نمونه : جلد 3 ، صفحه 242 .

2- انوارالعرفان فی تفسیر القرآن : جلد 8 ، صفحه 44 .

مهرعلاوه براینکه باعث تعدیل مقداری از مسائل اقتصادی است موجب تعدیل نیروی جسمانی زن و مرد نیز می باشد مرد که از نظر جسمانی قوی است و زن ضعیف ولی مهر موجب می شود که مرد باوجود احساس قدرت بدنی در مقابل زن تواضع کند بنا به فرمایش شهید مطهری :

ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است و همین جهت موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری می کرده . (1)

6 - مهر عطیه الهی به زن است

با استفاده از کلمه نحله می توان استفاده نمود که مهر يك هدیه الهی است به

ص: 155

1- نظام حقوق زن در اسلام : شهید مطهری ، صفحه 200 .

زن می باشد زیرا بسیاری از مفسران بهره برداری نموده اند ، که مهر بخششی است از خداوند به زن که توسط شوهر به زن عطا می شود ،
زیرا نحله را معنی کرده اند به بخشش و هدیه اختصاصی . (1)

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می فرماید :

تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ الصَّدَاقَ بِنَفْسِ الْعَقْدِ ... فَلَهَا التَّصَرُّفُ فِيهِ بَعْدَ الْعَقْدِ بِأَنْوَاعِهِ . (2)

زن به محض انعقاد عقد مالک مهریه می شود ... و زن می تواند پس از عقد در مهر تصرف کند .

ص: 156

1- پرتوی از قرآن : سید محمود طالقانی ، جلد 6 ، صفحه 14 .

2- ترجمه تحریرالوسیله : امام خمینی ره ، جلد 3 ، صفحه 534 ، مسأله 15 .

7 - مهریه پیمان صداقت است

بقاء و دوام هر پیوندی به خصوص زناشویی در گرو صداقت و يك رنگی می باشد از دواج هایی که در آن زن با شوهر صداقت ندارند دیر یا زود از هم پاشیده شده و یا به کانونی سرد و بی روح که در آن صلح و صفا حاکم نیست تبدیل خواهد شد .

پیمان زناشویی اولین اجتماع کوچکی است که علاوه بر اینکه دارای ابعاد متعدد اقتصادی ، حقوقی ... است ، يك کانون مهم رشد و شکوفایی عاطفه ها و تربیت انسان های باصداقت و مهذب است که اداره جامعه فردا به عهده آنها گذاشته خواهد شد ، پس خود این جامعه كوچك یعنی خانواده باید سرشار از صداقت باشد به همین جهت از مهر در قرآن شریف به صداق تعبیر شده است ،

ص: 157

همانطوری که در تعریف مهر گذشت مرد با دادن مهر يك زندگي خالصانه و صادقانه بدون غل و غش را اعلام می نماید .

در مورد صدق گفته شده است :

وَالصِّدْقُ مُطَابَقَةُ الْقَوْلِ الضَّمِيرَ وَالْمُخْبِرَ عَنْهُ مَعًا (1)

صدق مطابقت و هماهنگی بین قول و چیزی است که از آن خبر داده می شود .

و باز گفته شده : وَالصِّدَاقَةُ صِدْقُ الإِعْتِقَادِ فِي المَوَدَّةِ (2)

صداقت عبارت است از صدق اعتقاد در دوستی .

ازدواجی که باصداقت شروع شود می تواند یکی از مصادیق این آیه شریفه

ص: 158

1- المفردات فق غریب القرآن ماده صدق .

2- المفردات فق غریب القرآن ماده صدق .

باشد: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (1) ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید .

8 - مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است

سؤالی که به ذهن انسان کنجکاو می رسد این است که چرا زن به شوهر خود مهریه نمی دهد و چرا مهر بر مرد لازم است نه بر زن؟ با اینکه هر دو در زندگی و لذات زناشویی شریک می باشند؟

جواب روشن است: زیرا در فلسفه مهر اهداف بسیار عالی انسانی و تربیتی وجود دارد که نمی توان آن را همانند سایر مسائل طرفینی زناشویی و حقوقی

ص: 159

1-119/توبه، ترجمه از کتاب تفسیر نمونه، جلد 8، صفحه 178، تاریخ چاپ 30 شعبان 1399 .

شمرده و مقایسه نمود که اگر مرد به زن خود مهري می دهد پس زن هم به شوهر خود مهر پردازد .

علاوه بر دلایلی که در فلسفه مهر تاکنون ذکر شد یکی دیگر از مصادیق فلسفه مهر تضمین و تأمین امنیت مادی تربیت فرزند و مساعد نمودن محیط خانه برای پرورش فرزند است .

هریک از احکام تشریحی الهی براساس حکمتی وضع شده است که باید رابطه بین حکم و موضوع را سنجید .

لزوم پرداخت نفقه و مهر از طرف مرد به زن در واقع بستگی به اهداف عالیة تشکیل خانواده دارد که در رأس اهداف مقدس خانواده ایجاد محیط امن و تربیت فرزند می باشد که این رسالت در خانواده بزرگ جامعه برعهده پیامبران علیه السلام و

ص: 160

در خانواده كوچك زناشوئی به صورت طبیعی برعهده زن گذاشته شده است و انجام این رسالت بزرگ تنها با مهر و محبت مادری بدون پشتوانه مادی ممكن نیست زیرا مربی این مكتب باید از لحاظ مادی (لباس ، مسكن ، امرارمعاش و ...) تأمین باشد كه به صورت نفقه تضمین شده است ؛ حتی از يك پس انداز مالی (مهریه) بهره مند باشد كه این امر نیز تضمین گردیده و برعهده شوهر گذاشته شده است .

مقام تربیتی زن (مادر) آن قدر باارزش است كه پیامبراسلام صلی الله علیه و آله می فرماید :

بهشت زیر پای مادران است . (البته نه هر مادری بلکه مادری كه به وظیفه مادری خود عمل كند) چون تربیت عالی ترین هدف خلقت است . در این راستا روایتی در علل الشرایع از محمدبن سنان نقل شده كه امام رضا علیه السلام در مورد

ص: 161

علت وجوب مهر بر مردها و عدم وجوب آن از طرف زن ها فرمودند : چون مؤنه زن بر مرد واجب است زیرا زن با مرد يك قرارداد و معامله نموده و مرد مشتری می باشد پس باید مهریه را بپردازد . (1)

تعیین مهر با رضایت زوجین

تعیین مهر در عقد دائم برخلاف عقد موقت از ارکان نمی باشد ولی اگر زوجین بخواهند مهر تعیین نمایند نوع و مقدار آن باید روشن شود که در این فصل به دنبال روشن شدن این موضوع هستیم .

از قول امام باقر علیه السلام نقل شده است که آن بزرگوار فرموده :

ص: 162

الصَّدَاقُ كُلُّ شَيْءٍ تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ (1)

هر شیء که مردم به آن رضایت داشته باشند می تواند مهر باشد .

امام باقر علیه السلام فرمودند : هر آنچه مورد رضایت طرفین قرار گیرد می تواند مهر قرار گیرد چه کم باشد و چه زیاد . (2)

از این روایت فهمیده می شود که ملاک تعیین مقدار مهر رضایت زوجین است.

مقدار مهریه

اشاره

یکی از نکاتی که باید در مسائل حقوقی خانواده و ازدواج مطرح و روشن

ص: 163

1- وسائل الشیعه ، جلد 15 ، صفحه 2 .

2- تهذیب الاحکام ، جلد 7 ، صفحه 409 .

گردد مقدار مهریه از نظر شرع مقدس اسلام می باشد تا هم اهداف و فلسفه وجودی مهریه تأمین گردد و هم باعث تحکیم خانواده و رفع نزاع و اختلاف شود .

سؤالی که مطرح است این است که آیا برای مهر محدودیتی مشخص وجود دارد یا خیر؟ و آیا بیشتر از مهرالسنة جایز است یا خیر؟ در این مورد نظراتی وجود دارد ولی قبل از طرح نظرات فقها، طبق مباحث گذشته می توان اظهار نظر نمود که محدودیتی نباید در مقدار مهر وجود داشته باشد؛ چون با رضایت زوجین وقتی مهر مشخص شده باشد دیگر از لحاظ کمیت چه اشکالی خواهد داشت؟

به طور کلی در میان فقها، دو نظر وجود دارد که به بررسی آنها می پردازیم:

1 - قائلین به محدودیت مهر

اشاره

عده ای از فقها به پیروی از سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار دادن مهر بیش از

ص: 164

مهرالسنة را جایز نمی دانند و در این مورد ادعای اجماع هم نموده اند که از مشهورترین آنها مرحوم اسکافی و صدوق و سیدمرتضی می باشند و فرموده اند مازاد بر مهرالسنة باید برگردانده شود. (1)

و سیدمرتضی علاوه بر منع از زیادی مهرالسنة و حکم به ردّ مازاد بر آن استدلال به اجماع نموده است. (2)

همین حکم بدون ادعای اجماع از الفقیه نقل شده است. (3)

ص: 165

1- جواهرالکلام، جلد 31، صفحه 15.

2- شرع لمعه، جلد 2، صفحه 98، کتاب النکاح.

3- جواهرالکلام، جلد 31، صفحه 15.

مهرالسنه پانصد درهم معادل پنجاه دینار می باشد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهر

تمامی همسران خود را به همین مقدار قرار داد و این به عنوان سنت آن حضرت مطرح می باشد و سیدمرتضی و دیگران که معتقد هستند مهر نباید از مهرالسنه بیشتر باشد به تبعیت از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله فتوای داده اند و در روایات متعددی مهرالسنه مطرح شده است؛ از جمله روایت عبدالله بن سنان که از قول امام صادق علیه السلام نقل کرده است که: «مهریه زن ها در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله برابر با پانصد درهم بوده است» (1) و روایت مفضل که از امام صادق علیه السلام سؤال می کند «خبر بده به من از مقدار مهر زن که (لا يَجُوزُ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجُوزَهُ) جایز

ص: 166

1- وسائل الشیعه، جلد 15، کتاب النکاح، صفحه 8.

نیست مؤمن از آن تجاوز کند؟ امام علیه السلام فرمودند: (السُّنَّةُ الْمُحَمَّدِيَّةُ) سنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله که پانصد درهم می باشد و مازاد بر آن باید برگردانده شود». (1)

حدیث فوق مطابق با نظر سید مرتضی و همفکران او در عدم تجاوز مهر از مهرالسنة است .

شیخ صدوق (علیه الرحمه) علت اینکه چرا مهرالسنة پانصد درهم است از قول حسین بن خالد نقل کرده :

ص: 167

1- وسائل الشیعه ، جلد 15 ، کتاب النکاح ، صفحه 17 .

«حسین بن خالد (1) می گوید از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم چگونه مهرالسنه پانصد درهم شده؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند بر خود لازم نمود که اگر مؤمنی صد مرتبه تکبیر و صد مرتبه حمد و صد مرتبه تسبیح خدا و صد مرتبه لا اله الا الله (تهلیل) بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بفرستد و پس از آن بگوید خداوندا از حوریه بهشتی به ازدواج من در بیاور خداوند (دعایش را مستجاب نموده و) حوریه بهشتی را به ازدواج او درمی آورد و خداوند مهر آن حوریه را همین اذکار قرار داده است به همین جهت خداوند به پیامبرش وحی

ص: 168

1- در تهذیب الاحکام، جلد 7، پاورقی صفحه 412 آمده است، حسن بن خالد صحیح است نه حسین بن خالد، حسن بن خالد، کان ثقة له کتاب النوادر، یروی عن کاظم علیه السلام.

نمود که سنت قرار بدهد مهر زنان مؤمن را پانصد درهم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را انجام داد». (1)

نقد نظریه قائلین به محدودیت مهریه

مستند قائلین به محدودیت مهر از چند حال خارج نیست یا باید آیات باشد که از کلمه «قنطار» در آیات خلاف آن فهمیده می شود (همان طوری که توضیح آن خواهد آمد)، یا باید روایات باشد که اولاً از روایات الزام و وجوب در محدودیت مهریه به پانصد درهم استفاده نمی شود، ثانياً روایاتی داریم که خلاف آن را ثابت می کنند و حتی قید عدم محدودیت شده مثل روایتی که از امام صادق علیه السلام

ص: 169

1- علل الشرائع، صفحه 499.

نقل شده:

عَنِ الصَّادِقِ هَلْ لَهُ وَقْتُ (أَيُّ هَلْ لَهُ حَدٌّ لَا يُتَجَاوَزُ عَنْهُ)؟ قَالَ: لَا (1) سؤال شد از امام صادق علیه السلام از مهریه که آیا برای آن حدی وجود دارد؟ فرمود خیر ثالثاً همان طوری که در بحث بعدی خواهد آمد روایات حمل بر استحباب مهرالسنه شده است، اگر مستندقائلین به محدودیت مهریه اجماع هست همچنانکه از سید مرتضی (ره) نقل شده ملاک این اجماع مشخص نیست زیرا بسیاری از علماء خلاف این عقیده را دارند و شهید ثانی در مورد ادعای اجماع سیدمرتضی فرموده:

ص: 170

1- تهذیب الاحکام، جلد 7، صفحه 412.

وَالْإِجْمَاعُ مَمْنُوعٌ وَجَمِيعُ التَّفْسِيرَاتِ السَّابِقَةِ لِلْقَنْطَارِ تَرُدُّ عَلَيْهِ وَالْخَبْرُ الصَّحِيحُ حُجَّةٌ بَيْنَهُ ، نَعَمْ يُسْتَحَبُّ الْإِقْتِصَارُ عَلَيْهِ لِذَلِكَ . (1)

ادعای اجماع ممنوع است و جمیع تفسیرهای که (ذیل) عبارت قنطار شده ردّ این نظریه را می نماید و خبر صحیح هم دلیل روشنی است بر ردّ این اجماع بلکه اکتفاء بر مهرالسنه مستحب است .

از طرفی دیگر قائلین به این نظریه یعنی محدودیت مهر ، تعداد محدودی هستند بنابراین روشن نیست استناد این بزرگواران آن هم کسانی مثل سید مرتضی (ره) در اعتقاد به محدودیت مهر به مهرالسنه چه

ص: 171

1- شرح لمعه ، جلد 2 ، کتاب النکاح ، صفحه 98 .

بوده است . غیر از روایاتی که قبلاً نقل شد و آنها هم دلالت بر وجوب ندارند و حداکثر می توان آنها را حمل بر کراهت نمود ، به خصوص اینکه اگر حمل بر وجوب شود با روایاتی که دلالت بر عدم وجوب دارند معارض خواهند بود و محدودیت در مهر را رد کرده اند .

2 - عدم محدودیت در مهر

اشاره

آنچه از آیات و روایات و نظرات اکثر فقها عظام استفاده می شود عدم محدودیت در مهریه در حداقل و در حداکثر است به شرط اینکه از مالکیت (مثل خمر) و مالیت (مثل يك حبه گندم) خارج نشود و مورد رضایت و قبول زوجین باشد اینک ادله سه گانه در این مورد به اختصار بررسی می شود .

الف : عدم محدودیت مهر در آیات

«وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدِيَهُنَّ قِنْطَارًا

ص: 172

فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» . (1)

اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را نگیرید .

معانی مختلفی از قنطار شده ولی همه آنها از مهرالسنه بیشتر است .

راغب در مفرداتش فرموده :

«وَالْقَنَاطِيرُ جَمْعُ الْقَنْطَرَةِ وَالْقَنْطَرَةُ مِنَ الْمَالِ مَا فِيهِ عُبُورُ الْحَيَاةِ تَشْبِيهَا

بِالْقَنْطَرَةِ وَذَلِكَ غَيْرُ مَحْدُودِ الْقَدْرِ فِي نَفْسِهِ ، ... وَقَالَ الْحَسَنُ أَلْفٌ وَمِائَتَا دِينَارٍ ، وَقِيلَ مِلٌّ مُسْكٍ ثَوْرٌ ذَهَبًا» (2)

ص: 173

1- 20/نساء، ترجمه از کتاب تفسیرنمونه، جلد3، صفحه 321، تاریخ انتشار، اردیبهشت 1354 .

2- المفردات فی غریب القرآن ، ماده : قنطره .

قناطر جمع قنطره (به معنی پل) است مال قنطره یعنی مالی که زندگی را راه می اندازد همان طور که از پل عبور می کنند (یعنی مالی کافی) و اندازه آن فی حد نفسه محدود نیست ...

و بیشتر مفسرین قنطار را مال زیاد گرفته اند . (1)

قنطار ، به کسر قاف ، به معنای مال عظیم است و در قاموس ، قنطار را معادل ده ها هزار دینار طلا دانسته است و در المنجد آن را عبارت از وزنی دانسته که مقدار ثابتی ندارد و به تحول ایام متغیر می شود و به 100 رطل که هر رطل خود

ص: 174

1- مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، جلد 2 ، صفحه 4 .

از منابع مختلف اهل سنت نقل شده که ، روزی عمر بن الخطاب بالای منبر گفت: چرا مهر زنان خود را زیاد می کنید و حال آنکه مهر در میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش چهارصد درهم بوده ، زنی اعتراض کرد به عمر گفت : آیا مردم را نهی می کنی که بیشتر از چهارصد درهم مهر زنان را قرار ندهند ؟ عمر گفت : بله ، آن زن گفت : آیا نشنیدی که چه چیزی در قرآن آمده ؟ عمر گفت : چیست آن ؟ زن گفت : و آیتیم احدهن قنطارا عمر گفت : خدایا ببخش مرا که همه مردم داناتر از عمرند ، سپس به منبر رفت اعلام کرد هر مقداری که مایل هستید

ص: 175

مهریه قرار دهید» . (1)

پس روشن می شود که از دیدگاه قرآن ، محدودیتی برای تعیین مهریه وجود ندارد حتی عرف زمان صدر اسلام هم همین موضوع را از آیات استنباط می نمودند .

ب : عدم محدودیت مهر در روایات :

از مجموع روایاتی که محدثین بزرگوار در کتب روایی از معصومین علیهم السلام نقل کرده اند محدودیت فهمیده نمی شود به خصوص اگر بخواهیم وجوب مهرالسنه را اثبات کنیم بلکه در اکثر روایات عدم محدودیت استفاده می شود . و

ص: 176

1- الغدير ، جلد 6 ، صفحه 95 .

عبارت (الصَّدَاقُ مَا تَرَاضَ بِهِ يَا عَلِيَّهِ، قَلَّ أَوْ كَثُرَ) مهر چیزی است که با رضایت بر آن توافق شود کم باشد یا زیاد. دلالت گویا و روشنی دارد که هر مقدار طرفین بر آن رضایت دادند چه کم باشد یا زیاد. دلالت گویا و روشنی دارد که هر مقدار طرفین بر آن رضایت دادند چه کم باشد یا زیاد بدون هیچ محدودیتی می توان مهر قرار داد. روایات به این مضمون فراوانند، از جمله روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل

شده که فرمود: «اگر مردی با زنی ازدواج نمود و مهرش را بیست هزار و برای پدرش ده هزار قرار داد مهر درست است و آن مقدار که برای پدرش قرار داده فاسد است» (1). در این روایت ملاحظه می شود که مهریه 20 هزار چندین برابر مهرالسنه است اگر 20 هزار درهم باشد و مهرالسنه پانصد درهم رد این صورت

ص: 177

چهل برابر مهرالسنه است و اگر منظور این روایت 20 هزار دینار باشد و مهرالسنه 50 دینار در این صورت چهارصد برابر مهرالسنه خواهد بود .

اگر قرار دادن مهر بیش از مهرالسنه جایز نیست پس نباید امام معصوم علیه السلام برخلاف آن عمل کند ، در حالی که در روایتی نقل شده امام حسن علیه السلام زنی را تزویج نمود و مهر او صد کنیز و همراه هر یک ده درهم قرار داد (1) ملاحظه

می شود غیر از قیمت کنیزها مهر دو برابر مهرالسنه می باشد و حتی در صحیح مسلم آمده است : «ام حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله مهرش چهار هزار درهم و چهارصد دینار بود که نجاشی آن را از مال خودش جهت احترام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص: 178

روشن است که اگر تجاوز از مهرالسنة مجاز نیست نباید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه دهد که مهر ام حبیبه همسرش بیش از مهر السنه باشد، این خود دلیل دیگری است که اولاً تمام همسران آن حضرت مهریه پانصد درهم نداشته اند و ثانياً مهریه بیش از مهرالسنة از نگاه روایات جایز است و هیچ منفعی ندارد؛ مضافاً اینکه وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می شود آیا برای مهریه حدی وجود دارد؟ امام علیه السلام می فرماید خیر. (2).

ص: 179

1- صحیح مسلم، جلد 9، صفحه 215.

2- تهذیب الاحکام، جلد 7، صفحه 412.

ج : نظر فقهاء در عدم محدود بودن مهر :

گرچه عده ای از فقهاء مثل سید مرتضی و اسکافی و صدوق ، قائل به محدود بودن مهر به مهرالسنه می باشند که نظر آنها قبلاً مورد بررسی قرار گرفت اما اکثر فقهاء قائل به عدم محدودیت مهر هستند فقهاء بزرگوار در تعیین مهر دو چیز را قید نموده اند یکی رضایت طرفین دیگر اینکه در قلت به قدری ناچیز نباشد که از مالیت خارج شود با توجه به این دو قید محدودیتی در جهت کمی یا زیادی مهر وجود ندارد من جمله مرحوم محقق حلی (ره) می فرماید :

«برای مهر اندازه معینی نیست بلکه آنچه زوجین به آن راضی شوند صحیح است اگرچه کم باشد به شرط اینکه از قیمت مثل يك دانه گندم خارج نشود و

ص: 180

همچنین محدودیتی در جهت زیادی وجود ندارد» (1).

این نظر مورد تأیید بسیاری از فقها از جمله امام خمینی (ره) (2) و شهیدین (ره) (3) و صاحب جواهر (ره) (4) و شیخ طوسی (ره) (5) و ... می باشد.

مرحوم صاحب جواهر (ره) در شرح عبارة شرایع (وَ كَذَا لِأَحَدٍ لَهُ فِي الْكُثْرَةِ) ادعای شهرت در حد اجماع نموده و فرموده:

«محدودیتی در مهر نمی باشد بنابر مشهور بین اصحاب، آن هم يك شهرت

ص: 181

-
- 1- شرایع الاسلام، جلد 2، صفحه 545.
 - 2- تحریر الوسیله، جلد 2، صفحه 297.
 - 3- شرح لمعه، جلد 2، کتاب النکاح، صفحه 97.
 - 4- جواهر الکلام، جلد 31، صفحه 13.
 - 5- کتاب الخلاف، جلد 2، مسأله 34.

عظیمی در حدی که می توان ادعای اجماع نمود». (1).

مرحوم بَرّاج در المَهْدَبْ علاوه بر ردّ محدودیت مهر فرموده: هرگاه انسان در عقد نکاح مهر را بیش از مهرالسنه قرار دهد لازم است به آن وفا کند.

و همین بزرگوار فرموده: (هُوَ عِنْدَنَا غَيْرُ مُقَدَّرٍ) مهر در نزد ما مقدار معینی ندارد. (2).

فقها برای رضایت زوجین در تعیین مقدار مهر تا جائی اهمیت داده اند که اگر چنانچه زوجین بر مهری توافق کردند اولیای آنها نمی توانند اعتراض کنند. (3).

ص: 182

-
- 1- جواهرالکلام، جلد 31، صفحه 13.
 - 2- سلسلة الینابیع الفقهیه، جلد اول، جزء اول از نکاح، صفحه 166.
 - 3- کتاب الخلاف کتاب النکاح، جلد 2، مسأله 24.

کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه

با وجود اینکه شرعا و قانونا محدودیتی در تعیین مهر وجود ندارد اما با توجه به فلسفه ازدواج، سنگینی مهر کراهت دارد - به خصوص زمانی که مهر موجب به تعویق افتادن ازدواج گردد و جنبه تشریفات و چشم و هم چشمی به خود بگیرد و بهانه ای برای نسل جوان گردد. مادامی که از مشکلات اقتصادی رنج می برد و با عنایت به اینکه مهر دینی است به عهده شوهر و عندالمطالبه باید بپردازد، کمی آن مورد سفارش و استحباب است.

برخلاف آنچه که تصور می شود، مهر سنگین ضمانتی برای تداوم و بقاء زندگی زناشویی نیست و گاهی زیادی مهر باعث بسیاری از مشکلات و از هم

ص: 183

پاشیدگی خانواده و موجبات عذاب زن می گردد . و شوهر که توان پرداخت آن را ندارد جهت رهایی از این دین سنگین و پرداختن آن دنبال بهانه جویی و رفتارهای ناهنجار می رود ؛ در نتیجه زن یا باید از مهر خود چشم پوشی کند یا وضع رقت بار و نامطلوب موجود را تحمل کند ؛ ولی اگر مهر کم باشد عموماً زن دچار این مشکلات نمی گردد .

در نظام خانواده اگر مهر و محبت و علاقه حاکم نباشد مهر زیاد نمی تواند تضمین کننده بقا و خوشبختی خانواده باشد در پاره ای اوقات زیادی مهر جز رنج و فشار روحی چیز دیگری برای زن ندارد . چه بسا سخت گیری و سنگینی مهر اثرات نامطلوب روانی دارد و برای استمرار در روابط خانوادگی عکس العمل های سوئی در برداشته باشد و گاهی هم موجب انتقام گردد . به همین خاطر در منابع دینی هیچ گونه توصیه ای بر زیادی مهر نشده بلکه برعکس بر

کمی آن تأکید و سفارش شده است . و چه بسا زیادی مهر نهی شده است .

عن علی علیه السلام قال : لا تغالوا بمهور النساء فيكون عداوةً (1)

حضرت علی علیه السلام می فرماید : «مهر زنان را بالا نبرید که موجب عداوت می شود» . ملاحظه می شود که از دید حضرت علی علیه السلام زیادی مهر موجب دشمنی می گردد . و حال آنکه به فرموده قرآن مهر باید نحله باشد یعنی موجب شیرینی زندگی گردد .

رُوی : أن من بركة المرأة قلة مهرها ، و من شومها كثرة مهرها (2)

روایت شده است که : «کمی مهر زن برکت و زیادی مهر شوم است» امام

ص : 185

1- بحار الانوار ، جلد 100 ، صفحه 351 .

2- من لا يحضره الفقيه ، جلد 3 ، صفحه 253 .

صادق علیه السلام می فرماید: «نزد پدرم از شوم بودن بحث بود که پدرم فرمود شوم بودن در سه چیز است... اما شوم بودن زن در زیادی مهر او است» . (1)

روشن است که خود انسان ها شوم نمی باشند بلکه اعمال و رفتار آنها موجب نحسی و گرفتاری خواهد شد؛ اگر مهر متعادل باشد بهتر می شود مشکلات را حل نمود برخلاف زمانی که مهریه زیاد و بیشتر از توان مالی شوهر باشد که در این صورت در منازعات زناشویی مشکلات زیادی وجود خواهد داشت؛ از طرفی زن در رسیدن به حق خود یعنی مهریه اصرار دارد و از طرفی شوهر که توان پرداخت را ندارد سرباز می زند و دامنه نزاع بالا خواهد گرفت و نه تنها زوجین بلکه خانواده های مرتبط نیز دچار مشکل و ناراحتی خواهند شد که این گرفتاری

ص: 186

1- وسایل الشیعه، جلد 15 کتاب النکاح، باب 5 از ابواب المهور، صفحه 9.

شوم و بدبختی از پیامدهای زیادی مهر است ، که موارد و مصادیق آن را در جامعه شاهد هستیم .

معنی دیگر شوم بودن مهریه زیاد این خواهد بود که وقتی جوانی توان پرداخت مهریه زیاد را ندارد از ازدواج منصرف خواهد شد ، در نتیجه تجردگرایی - که متأسفانه از بلاهای عصر ماست - رواج پیدا خواهد کرد و خدای نکرده دامنه فساد در جامعه رو به افزایش خواهد گذاشت و آن عصمت لازم از بین خواهد رفت و به همین جهت نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

«بهترین زنان امت من زیباترین و کم مهرترین آنها هستند» .(1)

با اینکه برای مهریه حد معینی تعیین نشده اما برای استحکام و بقای خانواده

ص: 187

1- وسایل الشیعه ، جلد 15 کتاب النکاح ، باب 5 از ابواب المهور ، صفحه 9 .

ملاك تعيين مقدار مهر رضایت است و آن هم تأکید بر کم بودن مهر شده است تا جائی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی هشدار داده که مهریه سنگین نباشد :

«قسم به حق آن کسی که مرا مبعوث به نبوت و رسالت نمود هر زنی که مهریه را بر شوهر سنگین بگیرد خداوند زنجیرهای آتش جهنم را بر او سنگین خواهد گرفت. (1)»

و بر همین اساس می توان بین این دسته از روایات و روایاتی که قبلاً در عدم محدودیت مهر بیان شد . جمع به استحباب کم بودن مهر و مکروه بودن زیادی آن نمود همان طوری که فقهای عظام هم بر همین مبنا فتوای به استحباب محدودیت مهر به مهرالسنه و فتوای بر کراهت زیادی آن را داده اند . در این رابطه مرحوم

ص: 188

1- مستدرک الوسائل ، جلد 15 ، باب 5 از ابواب المهور ، صفحه 68 .

مستحب است کمی مهر و مکروه است اینکه مهر از مهرالسنه که پانصد درهم است تجاوز کند . (1)

فقهای بزرگوار دیگر مثل حضرت امام خمینی (2) و شهیدین (3) و صاحب مقنع (ره) (4) بر همین مطلب (استحباب کم بودن و مکروه بودن زیادی آن از مهرالسنه) فتوای داده اند و مرحوم صاحب جواهر هم ادعای عدم خلاف در استحباب کم بودن مهر نموده است . (5)

ص: 189

1- شرایع الاسلام، کتاب النکاح، جلد 2، صفحه 547.

2- تحریرالوسیله، جلد 2، صفحه 297.

3- شرح لمعه، جلد 2، صفحه 98.

4- جواهرالکلام، جلد 31، صفحه 16.

5- جواهرالکلام، جلد 31، صفحه 16.

شاید بتوان از مجموع نظرات فقها و روایات ، این استحباب را استحباب تأکیدی شمرد .

در ماوراء الفقه پس از اشاره به احادیثی که در مورد کم بودن مهر بیان کرده است و اینکه این روایات معتبرالسند هستند فرموده :

«سیاق این روایات گرچه خبری است ، اما ظاهر آنها واضح است نسبت به اینکه مراد از تشریح و انشاء (این روایات) به معنی نهی از زیادی مهر و امر به کمی آن می باشد ، ولی اگر توجه به علت و حکمت آن بنمائیم این است که اگر اطاعت نمودیم آن حکمت که برکت است حاصل می شود و اگر مخالفت کردیم (یعنی مهر زیاد گردد) موجب نحس می شود . این حکم استحبابی است که فقیه

ص: 190

آن را حمل بر وجوب نمی کند» (1).

مهر متاع باشد یا نقدینگی (پول)

باعنایت به ملاک بودن رضایت زوجین در تعیین نوع و جنس مهریه (همان طوری که گذشت) تفاوتی در اینکه مهر متاع یا نقدینگی (پول) باشد

نخواهد بود.

اما با نظر به مطالبی که ذیلاً بیان خواهد شد، تعیین متاع و جنس اولویت خواهد داشت زیرا:

الف: یکی از اهداف و فلسفه مهر تعادل اقتصادی بین زن و شوهر است.

ص: 191

بنابراین باید شیئی موضوع مهر قرار گیرد که به مرور زمان از ارزش آن کاسته نشود، از طرفی پول خاصیتی جز واسطه مبادله واقع شدن را ندارد و خود، دارای ارزش واقعی نمی باشد، بلکه وسیله ای است قراردادی جهت سرعت انتقال کالا- و مبادلات دارای ارزش و بنا به فرموده شهید مطهری :

«خاصیت اصلی و واقعی پول این است که در جریان باشد، پول کاری جز واسطه مبادلات بودن نمی تواند انجام دهد، برخلاف کالا که می تواند به اصطلاح فقهی منافع یا نمائاتی داشته باشد و یا بر روی آن کار جدیدی صورت گیرد»⁽¹⁾.

بسیار روشن است اگر در چندین سال قبل مهریه هزار تومان از ارزش و قدرت بالایی برای خرید و تهیه کالا برخوردار بوده است ولی همان هزار تومان

ص: 192

1- ربا - بانک - بیمه : شهید مطهری ، صفحه 13 ، مقدمه .

امروز بسیار ناچیز است و ارزش آن روز خود را از دست داده است، گرچه با رضایت طرفین بوده است اما نسبت به زن يك نوع اجحاف است.

با عنایت با اینکه قبلاً در فلسفه مهر بحث نمودیم - که یکی از اهداف تشریح مهر پشتوانه مالی زن بوده است. - اگر زن به هر عللی متقاضی مهر خود باشد و مهر هم نقدینگی (پول) باشد، اگر زمان پرداخت مهر با زمان عقد تفاوت داشته باشد - با توجه به اینکه ارزش نقدینگی پول همیشه ثابت نمی باشد - آیا باید همان مبلغ زمان عقد را پرداخت یا باید ارزش مادی را به روز مقایسه و پرداخت نمود؟ مسلم است که هدف از پول، خود آن نیست بلکه تعیین مبلغ به تناسب قدرت خرید و ارزش آن بوده است و پول اعتبار است نه حقیقی، اعتبار آن هم بستگی دارد به مقدار متاع مورد نیاز که می توان تهیه نمود. اگر ارزش پول در هنگام عقد به ارزش هنگام پرداخت نباشد زن هرگز قبول نمی کرد.

هنگام طرح اصلاح قانون طلاق در مجلس شورای اسلامی یکی از نمایندگان

ص: 193

در نطق خود گفت :

«اسلام بالاتر از این حرفهاست حتی مهریه ای که سابقاً برای يك زن مثلاً هزارتومان ، هزار و پانصدتومان می دادیم در این مسأله فقها تصریح کرده اند که باید ارزش مالی آن زمان را در نظر گرفت - مثلاً با هزارتومان می شد يك خانه خرید اما حالا هزارتومان مزد يك عملة در روز است - حتی در پرداخت مهریه باید به ارزش روز رجوع کنیم ... بعضی از فقهای فعلی در رساله هایشان این را تصریح کرده اند»
[\(1\)](#).

ب : از مجموع روایات و نظرات فقها استنباط می شود که متاع بودن مهریه

ص: 194

1- مذاکرات مجلس جلسه 403 سال 1370 3/7/70 (فیش 60932) کتابخانه مجلس .

بیشتر مورد نظر است چون در روایات جنس بیشتر آمده تا درهم و دینار (1) مثلاً در روایات، منزل (2) زمین (3) باغ (4) آموزش (5) خادم (6) به عنوان مهر اشاره شده است و در بعضی از روایات از درهم و دینار به عنوان قیمت متاع و جنس

ص: 195

-
- 1- وسائل الشیعه، جلد 15 ابواب المهور، باب 4، حدیث 3، باب 5، حدیث 2 و 4.
 - 2- وسائل الشیعه، جلد 15 ابواب المهور، باب 4، حدیث 3، باب 5، حدیث 2 و 4.
 - 3- فقه اسلامی و ادلته الاحوال الشخصیه، جلد 7، تألیف الدكتور وهبة الرخیلی، صفحه 258.
 - 4- وسائل الشیعه، جلد 15، ابواب المهور، باب 30، حدیث 1.
 - 5- مستدرک الوسائل، جلد 15 ابواب المهور، باب 15، حدیث 1.
 - 6- مستدرک الوسائل، جلد 15 ابواب المهور، باب 15، حدیث 1.

موردنظر ، اشاره گردیده است (1) در نظری اشراف گونه بر فتوای فقها هم این مطلب مشاهده می شود . مثلاً در المراسم العلویّه می فرماید :

مهر بر دو قسم می باشد : طلا و نقره و هر آنچه برایش قیمتی باشد و هیچ شبهه ای نیست در اینکه طلا و نقره مهر قرار گیرد . (2) همچنین می توان اولویت داشتن متاع و جنس به عنوان مهر بر پول از نظر شیخ مفید در المقنعه را فهمید که فرموده : مهر هر آن چیزی است که برایش قیمتی باشد از طلا و نقره و متاع و زمین (3) و همچنین از نظرات امام خمینی (ره) (4) و صاحب شرایع الاسلام

ص: 196

-
- 1- تهذیب الاحکام ، جلد 7 ، صفحه 412 ، حدیث 11 از باب 10 ابواب المهور .
 - 2- سلسله الینابیع الفقهیه ، جلد اول ، جزء اول از نکاح ، صفحه 134 .
 - 3- سلسله الینابیع الفقهیه ، جلد اول ، جزء اول از نکاح ، صفحه 134 .
 - 4- تحریرالوسیله ، جلد 2 ، صفحه 297 .

(مرحوم محقق حلّی) (1) و صاحب جواهر الکلام (2) قرار گرفتن متاع به عنوان مهر بیشتر استفاده می شود تا پول .

در تأیید این نظریه که قرارداد متاع و جنس به عنوان مهر اولویت دارد برقرار دادن پول به عنوان مهر، نظر مفسرین در ذیل آیه شریفه 236 بقره می باشد که در توضیح جمله (و مَتَّعُوهُنَّ) فرموده اند :

«نکته جالب دیگری که از آیه استفاده می شود این است که : قرآن از هدیه ای (مهری) که مرد باید به زن بپردازد، تعبیر به متاع کرده است و متاع در لغت به معنی چیزهایی است که انسان از آنها بهره مند و متمتع می شود و غالباً به غیر

ص: 197

1- شرایع اسلام فی مسائل الحلال و الحرام جلد 1 - 2 صفحه 545 .

2- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد 31، صفحه 3 .

موجب ضرر زن نخواهد بود بلکه زمینه نزاع هم کمتر خواهد شد .

علاوه بر مستندات گذشته مبنی بر اولویت قرار دادن متاع به عنوان مهر به جای پول ، تبصره ذیل ماده 1082 قانون مدنی می باشد .

تبصره : چنانچه مهریه وجه رایج باشد ، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند .

معلوم بودن مهر

یکی از نکاتی که باید از سوی زوجین هنگام عقد مورد توجه قرارگیرد مشخص بودن مهریه است که نباید ابهام و جهالتی در کار باشد - اگرچه لازم نیست به صورت دقیق تعیین گردد ولی باید به نحوی باشد که موجب اختلاف و ضرر

ص: 199

برای زن نگردد - اگر عقد بر مهري تعلق گیرد که روشن نباشد و در آن ابهام و جهل در کار باشد، مثل اینکه مهر يك زمين نامشخص یا شیئی مجهول قرار گیرد در این صورت عقد صحیح است ولی مهر باطل می گردد و باید مهرالمثل معین نمود. زیرا مهر از ارکان عقد نمی باشد تا عقد هم فاسد گردد، اما مهر يك حق است که باید مهرالمثل طبق ادله، جایگزین مهرالمسمی مجهول گردد.

از جمله ادله ای که می توان در مورد معلوم بودن مهر به آن استناد نمود روایاتی است که طبق آنها باید مهر به صورتی مشخص شود که رفع ابهام گردد، مثل صحیحه محمدبن مسلم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردی مشخص می نماید که عوض از مهر به زن قرآن بیاموزد. (1)

ص: 200

1- وسائل الشیعه، جلد 15، باب دوم از ابواب المهور، حدیث 1.

همچنین اگر عقد منعقد گردد بر مهر مجهول مهرالمثل تثبیت می شود مثل روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود :

«اگر کسی ازدواج نماید با يك مهر مجهول ، عقد فاسد نیست ، اما برای زن مهرالمثل است تا مادامی که از مهرالسنه تجاوز نکند» . (1)

مهریه و ملکیت آن

مهر ملك زن است

در ادیان گذشته خدمت و کار زوج برای پدر زوجه به عنوان مهریه قرار می گرفت - مثل خدمت حضرت موسی علیه السلام برای حضرت شعیب که در قرآن آمده است - .

ص: 201

1- مستدرک الوسائل ، جلد 15 ، کتاب النکاح ، صفحه 97 .

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ. (1)

(شعیب) گفت: من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه توست.

همان طوری که از این آیه شریفه استفاده می شود، حضرت شعیب علیه السلام از حضرت موسی علیه السلام می خواهد که به عنوان مهریه هشت سال برای او خدمت کند، اما این قانون در اسلام منسوخ شده است و قابل اجرا نیست و تمام مهر، ملک شخصی زوجه می باشد و نمی توان مهر و یا مقداری از آن را برای فرد دیگری

ص: 202

1- 27 / قصص - ترجمه از کتاب تفسیر نمونه جلد 16، صفحه 63، چاپ 12 تابستان 1374.

حتی پدر و مادر زوجه قرار داد و آن مقدار که برای غیر زوجه به عنوان مهر معین شده باطل است و زوج الزامی به پرداخت آن ندارد و هیچ کس هم بدون اذن و رضایت زوجه مجاز به تصرف در مهر تصرف نیست .

احتمالاً تا قبل از اسلام هم مهریه از آن پدر زن بوده نه از آن زن ، در تأیید این مطلب در ذیل آیه شریفه 4 از سوره نساء در تفسیر منهج الصادقین آورده است : «چون زن را به خودی می دادند مهر را برای خود می گرفتند و چیزی به زن نمی دادند و چون زن را به غریبه یم دادند آن را بر شتری می نشانند ، همان شتر را به آن زن می دادند و چیزی دیگر (از مهر) به او نمی دادند خداوند این آیه را نازل کرد : «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» :

بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی و اگر زنان درگذرند به خوشدلی برای

شما از بعضی مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوارا. (1)

با نزول این آیه احکام سابق فسخ شد و دیگر کسی حق نداشت مهر زن را بدون رضایت قلبی او تصاحب کند.

در تفسیر شریف لاهیجی فرمود: «مخاطب، اولیاء یتیمان است و مراد از نساء ایتام است» (2) زیرا طبق فرموده صاحب تفسیر کشف الحقائق در زمان جاهلیت دختران یتیم را نگهداری می کردند، اگر صاحب مال و جمال بود به او رغبت کرده نکاح می کردند و اموال او را تصاحب می نمودند. (3)

ص: 204

1- منهج الصادقین تفسیر فارسی، جلد 2، صفحه 432.

2- شریف لاهیجی تفسیر فارسی، جلد 1، صفحه 433.

3- کشف الحقائق، جلد 1، صفحه 328.

بین مفسرین در اینکه مورد خطاب در آیه شریفه کیست اختلاف است عده ای فرموده اند مخاطب والدین هستند و گروهی فرموده اند اولیاء یتیمان و گروهی دیگر فرموده اند شوهران هستند ، در هر صورت مخاطب هرکس باشد حکم یکی است ، یعنی مهر زن را به او بدهید و بدون طیب نفس او در مهر تصرف نکنید ، اما اگر چنانچه زن از روی میل و بدون اکراه مهر را بخشید ، به صورت گوارا تصرف کنید و هیچ اکراهی بر شما نیست .

قراردادن مهر یا قسمتی از آن برای پدر زن یا غیره (به جز زوجه) از دید فقهای عظام جایز نمی باشد - بدون اینکه خلافی وجود داشته باشد - در این راستا می توان به نظر مرحوم شیخ طوسی (ره) اشاره نمود :

«اگر برای زن مهر قرار داده شود و برای پدر زن هم مقداری (از مهر) معین گردد ازدواج صحیح است بدون هیچ خلافی اما آن مقدار که برای زن قرار داده

شده است واجب است بر مرد که اداء کند ولی مقداری که برای پدر زن معین شده واجب نیست و مرد اختیار دارد پردازد یا پردازد .

مرحوم شیخ طوسی می فرماید: «دلیل ما هم اجماع و روایات است» . (1) از نظر مرحوم شیخ استفاده می شود که در صورتی که مقداری از مهر برای پدر زن یا ولی او قرار داده شود به عنوان مهر نخواهد بود بلکه در حکم هبه یا بخشش دیگری است که زوج در صورت تمایل می تواند پردازد یا پردازد ، چون اگر از مهریه محسوب شود باید به زن بدهد و زن حق هرگونه تصرف بر مهر خود دارد.

حکم شیربها

در بعضی از بلاد متعارف است مبلغی را از داماد به عناوین مختلف مثل

ص: 206

1- کتاب الخلاف ، جلد 3 ، کتاب الصداق مسأله 31 .

شیربها و پیشکش و هدیه و پدر و کیلی، مهر حاضر و... گرفته می شود، که در این مورد لازم است توضیحی داده شود:

اگر این مبلغ تحت هر عنوانی جزء مهر قرار گیرد به این معنی که پدر و مادر را در مهر شریک کرده باشند، فقط مقداری که برای زوجه معین شده به عنوان مهر محسوب و مابقی باطل و زوج الزامی به پرداخت ندارد (1) اگر این مبلغ به عنوان رضایت بستگان زوجه آن هم با طیب خاطر زوج هدیه شود در مقابل زحمات انجام شده در امر ازدواج برای گیرنده حلال است اما اگر زوج رضایت خاطر نداشته و علیرغم حصول رضایت خاطر دختر، تنها به خاطر رفع مزاحمت بستگان از انجام ازدواج ناچار به پرداخت وجهی یا مالی گردد وجه دریافتی یا

ص: 207

1- جواهرالکلام، جلد 31، صفحه 29.

حبس مهريه

اشاره

يکي از مسائلي که در اين فصل مورد بررسي قرار خواهيم داد عدم جواز حبس مهر و لزوم پرداختن مهر ، به زوجه در زمان مطالبه است .
زيرا مهر براي زوجه حقي ثابت و ديني است برعهده زوج ، در صورتي که مهر مدت نداشته باشد يا مدت آن تمام شده باشد زن حق مطالبه آن را دارد و زوج هم شرعا و عقلاً و قانوناً موظف به پرداخت آن مي باشد و حق تخلف و حبس آن را ندارد والا غاصب و گنهگار محسوب مي شود .

سرباز زدن از پرداخت مهريه زن و آن را با اجبار و اکراه و توأم با رنجش

ص: 208

زوجه پرداخت نمودن ، علاوه بر اینکه با فلسفه مهر (که قبلاً بحث شد) منافات دارد ، مخالف با مفهوم آیه شریفه (فَإِنْ طِبْنَ) (1) می باشد که باید مهریه را با طیب خاطر و میل قلبی پرداخت نمود ، در آیات شریفه ای که مربوط به مهر است تعبیر بسیار بالا و زیبایی در مورد مهر داریم که مفسرین بزرگ روی آنها عنایت خاصی نموده اند . همانطوری که قبلاً در ذیل آیه سوره نساء (2) از قول مفسرین نقل شد ، اولیاء زن یا اولیاء ایتام (یا همان طوری که قبل از نزول این آیه در گذشته

ص: 209

1-4 / نساء .

2- لا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَقْرُضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ تَرْجَمَه : بدهید زنان را مهر ایشان با خوشدلی و اگر زنان درگذرند با خوشدلی برای شما از بعض مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار . تفسیر منهج الصادقین صفحه 423.

مرسوم بوده) مهر را به زن نمی داده اند در این آیه اولیاء و شوهران مخاطب قرار گرفته اند، که مهریه زن را به آنها بدهید چون حق آنها می باشد، مگر اینکه با میل و رغبت خود چیزی از آن را به شما ببخشند.

در این آیه شریفه نه تنها دستور پرداخت مهر به زن داده شده، بلکه با کلمه (نحله) کیفیت آن را هم بیان کرده است. یعنی به صورت هدیه ای شیرین و باطیب نفس و بدون هیچ مضایقه و تعلل مهریه را به زن پرداخت نمایید و همچنین هیچ گونه منتی و چشم داشتی نداشته باشید.

ظاهر آیه آن است که آنچه مهر زنان است بدون مطالبه آنها و محاکمه و مخاصمه پردازید، چه اینکه در غیر این صورت، (نحله) شیرین نخواهد بود و این خلاف دستور خداوند است.

انسان مؤمن و پایبند به حقوق الناس، باید قبل از اینکه زن مهر خود را مطالبه

بنماید - هرچند زن بی نیاز از مهریه باشد - مهریه او را پردازد - حتی اگر نمی تواند یکجا بدهد قسط بندی نموده و خود را بری الزمه بنماید - اتفاقاً در قانون مدنی ماده 1083 فرموده است : برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر می توان مدت یا اقساطی قرار داد .

از ماده فوق استفاده می شود که لازم نیست مهریه يك جا پرداخت گردد بلکه می توان ضمن عقد برای پرداخت تمامی مهر اجل قرار داد و یا قسمتی از آن را مدت دار و قسمتی دیگر حال قرار داد و قسمتی یا تمام آن را در ضمن عقد یا بعد از عقد قرار داد نمود که به صورت قسطی پرداخت شود که تأدیه آن برای زوج سنگین نباشد ، باید این فرهنگ دینی در میان جامعه ایمانی تثبیت شود که این خود موجب کند شدن سیر صعودی و تعدیل مهریه خواهد شد و مشکل بالا بردن به عنوان يك مانع ازدواج از سر راه جوانان برداشته خواهد شد و دیگر شاهد آن

ص: 211

نخواهیم بود که زن برای گرفتن مهر خود به دادگاه مراجعه کند و مهر در کام او تلخ شود و یا به خاطر رهائی از آزار شوهر خود مجبور باشد مهریه اش را ببخشد ، بدون اینکه پشتوانه مادی داشته باشد .

در روایات وارده از معصومین علیهم السلام هر شیوه و روشی که موجب تضییع مهریه زن شود به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و در ردیف اعمال ناپسند و مذموم قرار داده شده است که جهت تنبه به چند دسته از روایات ذیلاً اشاره می شود :

الف : غاصب مهر بخشیده نمی شود :

رعایت حقوق در اسلام نشانه کرامت انسان مؤمن است و مهم ترین حقی که باید رعایت نمود و قابل بخشش نیست حق الناس است و نیز از مصادیق حق الناس مهریه می باشد لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند :

«خداوند در روز قیامت هر گناهی را می بخشد مگر مهر زن ها را (اگر شوهری

آن را نپرداخته باشد یا زن آن را نبخشیده باشد». (1)

و در حدیث دیگر که حضرت علی علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، استفاده می شود: کسی که مهریه همسرش را ندهد غاصب است همانند کسی که غصب احق اجیرش بنماید که نمی شود بخشید. (2)

کسی که غاصب اموال دیگران باشد علاوه بر اینکه گناهکار است اعمال شرعی او هم مورد اشکال است.

امام خمینی (ره) در تعریف غصب فرموده اند: «غصب استیلاء بر چیزی است که مربوط به غیر است از مال یا حق آن هم به صورت عدوانی». (3)

ص: 213

1- وسائل الشیعه، جلد 15، صفحه 22.

2- مستدرک الوسائل، جلد 15، صفحه 72.

3- تحریر الوسیله، جلد 2، صفحه 172.

در کنزالعرفان در ذیل آیه 4 سوره نساء قول خداوند (فَإِنْ طِبْنَ) فرموده: جمله فان طبن در آیه دلالت دارد بر عدم جواز غضب مهر و مکر و حيله (جهت فرار از پرداخت) و اکراه و مجبور نمودن بر اینکه زن مهر خود را نگیرد. (1)

بنابراین نپرداختن مهریه با عدم رضایت زوجه يك نوع غضب است و احکام غضب بر آن جاری خواهد بود مگر نپرداختن مهر از روی فقر باشد یا اینکه زن راضی باشد.

ب: غاصب مهر در پیش خدا، زانی است

در بعضی از روایات زوجی که از پرداخت مهریه زوجه اش خودداری کند در نزد خدا در حکم زانی شمرده شده است، چون او يك متجاوز به حدود

ص: 214

1- کنزالعرفان فی فقه القرآن، جلد 2، صفحه 202.

خداوند است . از جمله این روایات ، روایتی است از امام صادق علیه السلام:

«کسی که ازدواج نماید با زنی و قصد دادن مهر را نداشته باشد در نزد خداوند زانی می باشد» . (1)

شاید بتوان ادعای حدیث فوق را با روایتی که از حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه

شریفه (وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً) (2) نقل شده است تبیین نمود ، زیرا آن حضرت فرمود : «خداوند می فرماید بدهید مهری که به وسیله آن زن ها (همبستر شدن) بر شما حلال شدند ، پس کسی که ظلم کند به زن ها در مهر آنها زانی محسوب می شود» . (3)

ص: 215

1- وسائل الشیعه ، جلد 15 ، صفحه 22 .

2- 4 / نساء .

3- مستدرک الوسائل ، جلد 15 ، صفحه 72 .

ج : غضب مهر از پلیدترین گناهان است

ستم وجود نسبت به کسی که قدرت دفاع ندارد و زبردست محسوب می شود از پست ترین گناهان است ، به خصوص اینکه يك نوع جنایت به شريك زندگی باشد آن هم با اعتمادی که او نموده است لذا از امام صادق علیه السلام نقل شده که

فرمود :

«پلیدترین گناهان سه چیز است ، کشتن حیوانات و حبس و ندادن مهریه زن و منع ندادن مزد و اجرت اجیر» .(1)

د : حبس مهر يك نوع دزدی است

از آنجائی که مهر از هنگام انعقاد عقد نکاح بر ذمه شوهر است که عندالمطالبه باید به زوجه بپردازد ، چنانچه نپردازد در حکم سارق است که آن را می رباید و

ص: 216

به مالك آن (يعنى زوجه) نمى دهد لذا امام صادق عليه السلام فرمودند :

«كسى كه مهرى را تعيين كند و قصد دادن آن را نداشته باشد به منزله دزد مى باشد». (1)

و در همين باره در روايتى ، امام صادق عليه السلام فرمودند :

«دزدى سه قسم است ؛ ندادن زكات و حلال شمردن مهر زن (يعنى ندادن آن به زوجه) و ندادن دين و قرض به صاحبش». (2)

در واقع روايت دوم توجيه مى كند كه چرا به غاصب مهریه دزد اطلاق می شود ، زیرا مهریه در حکم دين و قرض در دست شوهر است كه بايد هنگام مطالبه به زوجه برگرداند و اگر امتناع نمود در حکم دزد می باشد .

ص: 217

1- مستدرک الوسایل ، جلد 15 ، صفحه 21 .

2- مستدرک الوسایل ، جلد 15 ، صفحه 21 .

ه : غاصب مهر پیمان شکن است

در زندگی مقدس ترین پیمان ها پیوند زناشوئی است که گاهی در ضمن این پیمان مهر هم شرط می شود ، پایبند بودن به شرط همان قدر ارزش دارد که پیوند زناشوئی ارزش دارد ، گرچه به توصیه آیات شریفه ، مؤمن باید پایبند به عهد و قرارداد خود باشد . به دلیل قول خداوند :
والمؤمنون عند شروطهم . (1)

مؤمنین پایبندشروط خود هستند.

نبی بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند : اولی ترین شرطی که باید به آن وفا کنند آن است که آنچه به آن فرج حلال شده است تمام و کمال بدهند. (2)

ص: 218

1- 5 / مائده .

2- روض الجنان و روح الجنان تفسیر فارسی قرآن ، جلد 5 ، صفحه 232 .

در حدیث مناهی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت فرمودند :

«کسی که نسبت به مهر زن ظلم کند در نزد خداوند زانی است ، خداوند متعال در روز قیامت می فرماید : بنده من ، بنده ام را بر عهد و پیمانم به ازدواج تو در آوردم (اجازه دادم با او ازدواج کنی) و تو به عهدهت وفا نکردی (مهرش را ندادی) و ظلم کردی ، پس از حسنات او (مرد غاصب مهر) می گیرد و به زن می دهد به اندازه حق آن زن ، اگر حسنات مرد کفایت نکرد او را وارد بر آتش می گرداند به جهت پیمان شکنی چون از هر پیمانی پرسش خواهد شد (آیا وفا شد یا خیر)» . (1)

از این حدیث روشن می شود که اگر در مورد مهر پیمان شکنی شود حساب مرد پیمان شکن با خداوند است ؛ چون شاید زن نتواند حق خود را بگیرد .

ص: 219

- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 2.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 17.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 3.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 4.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 5.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 13.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 14.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 16.
- * تفسیر جوان، محمدیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد 24.
- * تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد 3.
- * تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد 8.

- * تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد 7.
- * تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد 2.
- * تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد 27.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 2.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 3.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 4.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 7.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 8.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 9.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 14.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 18.
- * تفسیر بیان، محمدیستونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 22.

* تفسیر بیان، محمدبیس‌تونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 28.

* تفسیر بیان، محمدبیس‌تونی، اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج 29.

* زن و عدالت اجتماعی، رفسنجانی، انتشارات صغیر صبح، 1380، چاپ اول.

* مسائل ازدواج و حقوق خانواده در اسلام، بابازاده، اکبر .

* ازدواج موقت در اسلام

* مباحثی از حقوق زن

* بهشت خانواده

* زن از دیدگاه اسلام، استاد مطهری

ص: 222

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم... 5

تعریف ازدواج... 7

ازدواج يك سنت الهی است... 12

اهمیت و فضیلت ازدواج... 14

ترغیب به ازدواج آسان و فراهم کردن مقدمات ازدواج برای افراد... 16

ترك ازدواج به خاطر ترس از فقر و کیفر آن... 22

ترك ازدواج در ادیان دیگر... 30

هدف از ازدواج سکونت و آرامش است... 32

ازدواج وسیله ای برای حفظ نوع بشر و وسیله ای برای تربیت فرزندان صالح... 36

آثار دنیوی ازدواج... 41

آثار اخروی

ازدواج... 44

ازدواج بر پایه ایمان و اخلاق... 45

ازدواج بر پایه مادیات و شهوت... 47

پیش از انتخاب همسر چه باید کرد؟... 48

هم کفو بودن در ازدواج... 50

ذکر مصادیقی از هم کفو بودن در عصر کنونی... 55

1 - همتایی در ایمان... 55

2 - همتایی در سن... 57

ص: 224

- 3- همتایی در دانش ... 60
- 4- همتایی فکری و فرهنگی ... 67
- 5- همتایی اخلاقی ... 68
- 6- همتایی جسمی و جنسی ... 71
- 7- همتایی سیاسی ... 76
- 8- همتایی روحی و روانی ... 76
- 9- همتایی در زیبایی ... 77
- 10- همتایی خانوادگی ... 80

اوصاف شایسته در انتخاب همسر... 89

نگاه کردن پیش از ازدواج... 104

نگاه کردن از دیدگاه فقهی... 107

پیشنهاد پدر و کسان دختر در ازدواج با پسر عیب نیست... 109

آیا می توان با همسری بدون مهر ازدواج کرد؟... 113

تعبیر به «ازدواج» همسران دائمی و موقت هر دورا شامل می شود... 116

شرایط عقد ازدواج دائم و موقت... 117

دستور خواندن عقد ازدواج دائم و موقت... 118

دستور خواندن عقد دائم... 119

دستور خواندن عقد موقت

(غیردائم)... 120

فسخ عقد

ازدواج ... 121

تعریف واژه مَهْر (صداق)... 127

فلسفه مهریه... 129

1 - مهریه تجلی فطرت و طبیعت است... 130

2 - مهر قانون عشق و جذب است... 137

3 - مهریه پاداش و نشانه حیا و عزت زن است... 146

ص: 227

4 - مهر باعث کنترل و بقاء خانواده می شود... 149

5 - مهر موجب تعادل اقتصادی است... 152

6 - مهر عطیّه الهی به زن است... 155

7 - مهریه پیمان صداقت است... 157

8 - مهریه تضمین مادی امنیت تربیت است... 159

تعیین مهر با رضایت زوجین... 162

مقدار مهریه... 163

1 - قائلین به محدودیت مهر ... 164

نقد نظریه قائلین به محدودیت مهریه... 169

2- عدم محدودیت در مهر... 172

کم بودن مهر مستحب است و زیادی آن مکروه... 183

مهر متاع باشد یا نقدینگی (پول)... 191

معلوم بودن مهر... 199

مهریه و ملکیت آن... 201

مهریه ملک زن است... 201

حکم شیربها... 206

حبس مهریه... 208

ص: 229

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

